

۵۹۵ مستکمی کمنیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۴ مه ۲۰۲۱

دور جدید نمایش انتخابات

جمهوری اسلامی در فضائی مملو از ابهام و بن بست، در شرایطی که هم مذاکره میکند و هم در آتش جنگ در منطقه می دمد، در متن مشقت بی پایان مردم اسیر فقر و فلاکت و بیماری و بیکاری، بدنبال یکدوره دروغ و فریب و سرکوب خونین، برای نهادهایش "انتخابات" برگزار میکند. بار دیگر جناحهای حکومتی و عناصر صدمبار امتحان پس داده از عاملین کشتار زندانیان سیاسی تا تیرخلاص زن و شکنجه گر و پاسدار و بازجو، عروسک این خیمه شب بازی اند. به ما میگویند برای تداوم این وضعیت از میان جلدان تان "انتخاب" کنید! اما این نمایش بیش از هر زمانی سوت و کور است و از پیش مهر شکست را بر پیشانی خود دارد. اینرا خود خامنه ای هم میدانند. کاری که باید صورت گیرد، اینست که این شکست همه جانبه و کمرشکن شود.

در ایران تحت سلطه ارتجاع اسلامی انتخابات مطلقا وجود خارجی ندارد. در این رژیم احزاب سیاسی از راست تا چپ غیرقانونی و "منحله" اند. رهبران اپوزیسیون در لیست ترور قرار دارند و از پیش "مهدورالدم" و "محارب" و "ملحد" اعلام شده اند. تشکیل شورا و سندیکا و ایجاد سازمان کارگری ممنوع است. رهبران و فعالین جنبش کارگری یا در زندان اند و یا "بجرم" اعتصاب و طلب حقوق کار انجام شده تحت تهدید و پیگردند. ایجاد سازمانهای مستقل زنان ممنوع است. تشکیل هر جلسه و تجمع و صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

نگاهها به کارگران هفت تپه دوخته شده است!

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

به کارگران مبارز هفت تپه

هفت تپه آینده را ترسیم میکند!

اعلامیه حزب حکمتیست

خلع ید از اسدیگی،

این پیروزی نتیجه استقامت شماست!

اسماعیل چگونه اسماعیل شد

صفحه ۶

جاوید حکیمی

روز حکمت را گرامی بداریم

انسانیت به کمونیسم حکمت نیازمند است

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

مجرم اصلی جمهوری اسلامی و خامنه ای است!

صفحه ۹

نادر شریفی

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

تنها دخالت بشریت مترقی می تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!

اعلامیه حزب حکمتیست

فاجعه کشتار کودکان

در کابل

فلسطین، از

استقلال تا آزادی!

منصور حکمت

پیام های

پشتیبانی از

کارگران هفت تپه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دور جدید نمایش انتخابات ...

تشکل و کانون از معلمان و وکلا و نویسندگان و بازنشستگان با قوه قهریه و زندان و پرونده سازی جواب میگیرد. نه فقط شهروندان "عادی" بلکه کسانی که در سرپانگداشتن این رژیم علیه مردم مرتکب جنایت شدند، احزاب اسلامی و درون حکومتی، بخشا ممنوع اند. تنها لایه قلیلی از جنایتکاران حساب پس داده و پاره تن نظام اسلامی، که آنهم باید توسط نهادهای مافیائی در هر دوره تائید شوند، میتوانند در این معرکه گیری اسلامی حضور بهم رسانند. اسم این "انتخابات" نیست. این یک مضحکه تمام عیار است. این نمایش تحقیر شعور مردم است. این توهین به هر نوع انتخابات حتی با معیارهای انتخابات در جوامع بورژوائی است. اطلاق "انتخابات" به این مضحکه، تلاشی برای تداوم سلطه خونین نظامی است که تنها در آخرین خیزش توده ای کارگران و مردم زحمتکش هزاران قربانی گرفته است.

"آزادی" و صندوق رای

اصلاح طلبان مرتجع و تریبون های تبلیغاتی طرفدار حکومت برایمان موعظه می کنند که "تنها راه رسیدن به آزادی از صندوق رای میگذرد"! کسب آزادی از طریق صندوق رای ظاهری عامه پسند دارد. مگر نه اینست که حق انتخاب از طریق هر فرد یک رای میتواند مسالمت آمیزترین راه برای رسیدن به اهدافی باشد که همگان در آن ذینفعند؟ میگویند "ما باید به صندوق رای با تمام محدودیتها عادت کنیم"! "باید فرهنگ دمکراتیک را رشد دهیم"!

بگذارید بپرسیم کدام "صندوق رای"؟ کدام "آزادی"؟ این کدام آزادی است که با فرض بقای ارتجاع سیاسی متحقق میشود؟ این کدام آزادی است که به ما حق "انتخاب" بین شکنجه گران و زندانبانان و استثمارگران مان را میدهد؟ دمکراسی ای که قرار است با "رای دادن" به منتسبین حکومت اسلامی و "انتخاب" بین جلادان تمرین شود، تنها ارتجاع را تحکیم میکند. قرار است برویم به تعدادی هزار بار امتحان پس داده و شریک جنایت و یا تائید کننده جنایت در حکومت اسلامی، به تعدادی سرمایه دار و قمه بدست سرکوبگر و فاسد که خون مردم را در شیشه کردند، به کسانی که از فیلترهای امنیتی نظام رد شدند، "رای" بدهیم و به "صندوق رای" عادت کنیم تا با "تمرین دمکراسی" به ناکجاآبادی که در قاموس اینان "آزادی" نام دارد برسیم! این نوع استدلالها تنها منعکس کننده هم خانواده بودن با نظام اسلامی، شریک بودن در آرمان اجتماعی و اهداف سیاسی جمهوری اسلامی است.

بعنوان کمونیست و انقلابی تصریح می کنیم که در نظامهای استبدادی، هیچوقت و در هیچ زمانی، یک ذره آزادی، یک ذره گشایش سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، از طریق صندوق رای حاصل نشده است. "صندوق رای" در این حکومتها نه مسیر آزادی شهروندان بلکه مکانیزم اسارت مجدد و امضای سند بردگی آنهاست. کسانی که تداوم انقیاد سیاسی و اقتصادی شهروندان را "آزادی" نام میگذارند، تنها شرکای این بربریت اند. آزادی تاریخا با عمل انقلابی بدست آمده است و تنها توسط نیروها و جنبشهایی میتواند متحقق شود که در آن ذینفعند.

انتخابات تنها زمانی میتواند مظهر و بیان اراده عمومی مردم باشد که یک پروسه سیاسی واقعی برای نفی ارتجاع طی شده باشد و انتخابات به یک واقعیت مادی و اجتماعی جنبه حقوقی بدهد. انتخابات تنها در شرایطی که جامعه از قید ارتجاع آزاد شده است و شهروندان بطور عینی امکان عملی و مادی ابراز وجود سیاسی مستقیم و مستمر را دارند میتواند معنی داشته باشد.

دخالت و نه شرکت

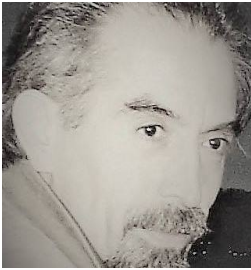
هر نوع شرکت در مضحکه انتخابات با هر عنوان و توجیهی مشروعیت دادن به رژیم اسلامی و در راس آن خامنه ای است. اما عدم شرکت در سیاستها و چهارچوبهای حکومتی به معنای دست روی دست گذاشتن و یک سیاست پاسیو نیست. در مناسبت انتخابات اتفاقا باید فعالانه دخالت کرد. دخالتی مستقل از جناح های رژیم و سیاست ها و تاکتیک هائی که طرح میکنند. دخالتی مبتنی بر شکست سیاست بسیج مردم حول این یا آن تاکتیک حکومتی و این یا آن کاندیدا. مبارزه فعال علیه فضای انتخاباتی و تبدیل آن به اعتراض علیه کل حکومت، میتواند یک شکست دیگر به جمهوری اسلامی تحمیل کند و محاسبات پراگماتیستی را حاشیه ای کند. این مبارزه از پائین و مستقل از پلاتفرمهای حکومتی است که اتفاقا میتواند بر نتیجه همین مضحکه تاثیر بگذارد. گسترش اعتصاب و اعتراض برای حقوق پایمال شده، تبدیل هر سخنرانی و اجتماع انتخاباتی به صحنه اعتراض علیه کل حکومت، پاره کردن وسیع پوسترها و آتش زدن بیلبوردهای تبلیغاتی، مخالفت با اعدام و خواست آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی، باید رؤس خط مشی جنبش انقلابی و سرنگونی طلب از امروز تا روز انتخابات باشد. روز انتخابات با عدم شرکت گسترده و اعلام قدرتمند نامشروع بودن کل حکومت، فصل جدیدی از تقابل با رژیم اسلامی را آغاز میکنیم.

مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی برای نظام اسلامی و طرفدارانش حتما مهم است. منفعت سیاسی و طبقاتی شان اینطور حکم میکند. اما برای دهها میلیون مردم اسیر فقر و فلاکت، برای دهها میلیون زن اسیر آپارتاید و سرکوب روزمره، برای بیش از ده میلیون بیکار، برای جوانان بی آینده، برای میلیونها نفر که اسیر تن فروشی و اعتیاد اند، برای خیابان خوابها و مردم گرسنه پیشیزی ارزش ندارد. تبلیغ برای شرکت در مضحکه انتخابات رژیم اسلامی تنها مهر تائید زدن به تداوم جنایت و بردگی و فقر عمومی است.

نمایش انتخابات ۱۴۰۰ بشدت سوت و کور است. مذاکرات وین و موشک پراکنی در منطقه هم دردی از حکومت دوا نمی کند. در این "انتخابات" از پیش مهر شکست قاطع بر پیشانی حکومت کوبیده شده است. در وضعیت ملتهب و پرشتاب سیاسی ایران، این شکست باید همه جانبه و سنگین و برانگیزاننده باشد و به نیروی محرکه قدرتمندی برای جنبش سرنگونی انقلابی کل نظام اسلامی تبدیل شود.

سردبیر. ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!



نگاهها به کارگران هفت تپه دوخته شده است!

رحمان حسین زاده

نگاهها به کارگران هفت تپه دوخته شده، نه فقط به خاطر مبارزات درخشان تانکونی و پیروزی بزرگی که در جشن شورانگیز یکشنبه نوزدهم اردیبهشت در صحن شرکت و مکان مبارزاتی "سنگر" رقم خورد، به علاوه و مهمتر به خاطر آینده اداره و مدیریت و تولید و شرایط کار و موقعیت جدید کارگران در مجتمع صنعتی هفت تپه. در مورد هر دو وجه مساله بگذارید مکث کوتاهی بکنیم.

الف: پیروزی کارگران هفت تپه، نقطه عطف جنبش کارگری ایران: سهل انگاری و ساده انگاری است تا رویداد مهم روز یکشنبه نوزدهم اردیبهشت هفت تپه را صرفاً در سطح یک جشن کارگری البته واقعی و شورانگیز ببینیم. این یک پیروزی تاریخی کارگران هفت تپه و نقطه عطف مهمی در جنبش کارگری و حتی در جنبش اعتراض توده ای علیه سرمایه داری و حکومت آن در ایران است. هر کارگر مبارز و هر جریان و فرد آزادیخواه و ضد فقر و تبعیض و نابرابری و مدافع حقوق کارگر و مردم که آگاهی و تجربه ای زمینی از پیچ و خم مبارزه واقعی داشته باشد، متوجه است، با اعلام خلع ید و برگزاری میتینگ و جشن پیروزی کارگران هفت تپه نه فقط بخش خصوصی و اسدیگی های فاسد، بلکه حکومت جمهوری اسلامی تمام قد حامی بخش خصوصی و در این مورد پشتیبان "اسد بیگی، رستمی" نورچشمی "روحانی، جهانگیری" شکست سختی خورده اند. این پیروزی مهم برخلاف پروپاگاندا و ارونه و ضد حقیقت "بسیجیان نزدیک به قوه قضاییه و رئیسی جلاد" یا تبلیغات گمراه کننده و بی پایه مخالفان و مغرضان فرقه ای نسبت به جریان رادیکال و هدایتگر اعتراضات برحق تانکونی هفت تپه، مستقیماً حاصل اتحاد، مبارزه، استقامت و اصرار کارگران هفت تپه بر خواسته های برحق شان و از جمله "خلع ید" بود و نه هیچ چیز دیگر. میتینگ و جشن کارگری صحن "سنگر" یکشنبه نوزدهم به قول معروف نوک کوه مبارزه ای بود، که کارگران آگاه و مبارز هفت تپه و رهبران و پیشروان هوشیار آنها پنج سال با فداکاری بی نظیر برای به ثمر رساندن و تا اینجا رساندن، جانانه کوشیدند. در این پنج سال جنبش کارگری و اعتراضی شاهد صحنه های پرشور مبارزات کارگران هفت تپه اعم از اعتصابات بزرگ و کوتاه و بلند مدت، میتینگها در صحن کارخانه و در سنگر، تظاهراتها در شوش و مقابل فرمانداری، همراهی پرشور خانواده های کارگری و زنان و جوانان و مردم با اعتراضات کارگران هفت تپه بود. همگان توطئه ها و فریب کاریهای سرمایه داران فاسد و حکومت و دولت شان را علیه کارگران هفت تپه دیدند. اخراج و تهدید و احضار و زندان و شکنجه و پرونده سازیها علیه نمایندگان صاحب اراده و مدافعین جسور کارگران هفت تپه را دیدیم و این طرحها رسوا و افشاء شدند. هر کس که خود را در جبهه کارگر و اعتراض و مبارزه علیه سرمایه و دولتش در ایران میداند، اگر با احساس مسئولیت و به دور از کوفته بینی و رقابت و محاسبات غلط و بیمورد به مساله نگاه کند، میتواند ببیند ایستادگی متحدانه و جمعی و فردی کارگران هفت تپه متکی به

حمایتهای شایسته و گسترده در داخل و در خارج علت اصلی پیروزی تانکونی کارگران هفت تپه است. این پیروزی خود حاصل قدم به قدم تغییر تناسب قوا در سالهای اخیر به نفع مبارزه کارگری و توده ای و اکنون خود فاکتور مهم و برجسته ای در ایجاد تناسب قوای مساعدتر برای پیشبرد مبارزات کارگری نه فقط در هفت تپه، بلکه در کل جنبش کارگری ایران است. به این ترتیب با قاطعیت باید گفت پیروزی تانکونی کارگران نیشکر هفت تپه نقطه عطف مهم در جنبش کارگری و حتی اعتراض توده ای علیه سرمایه داری و جمهوری اسلامی در ایران است.



ب- نظارت کارگری و آینده مدیریت هفت تپه: بیشک وجه مهم دیگر توجه و خیره شدن به تحولات در شرکت هفت تپه، شرایط تماماً جدیدی است که نسبت به سرنوشت امروز و آینده این مجتمع بزرگ کارگری به وجود آمده است. صورت مسئله ها عوض شده است. مشکلات و معضلات قدیمی گریبانگیر کارگران اکنون در بستر جدید و متفاوتی خود را عرضه میکنند. صورت مسئله های ماکروی سیاسی، معیشتی و شغلی و شرایط کار، سیستم اداری، ادامه تولید و کارایی شرکت، مدیریت جدید و مناسبات و نحوه رابطه آن با کارگران شرکت، نقش کارگران در اداره شرکت و موضوع اجرایی کردن نظارت کارگری متکی به اراده جمعی و شورایی کارگری همه مطرحند. از همه مهمتر تامین توقعات و خواسته هائی که سالها کارگران برای آن مبارزه کرده، به این معنا تامین زندگی بهتر کارگران و خانواده های کارگری، از مسائل مهم پیش روی کارگران هفت تپه بوده و پاسخهای هوشیارانه، رهبری و نمایندگان کارگران را میطلبد. اعلامیه ها و نظرات شنید شده، از نمایندگان مورد اعتماد کارگران و از جمله اسماعیل بخشی و فعالین نزدیکش این تصویر را میدهد، کارگران خود متوجه این شرایط جدید و مصافهای جدیدی که در مقابل آنها قرار گرفته، هستند. اسماعیل بخشی به درست اشاره کرده، که با یک دوره گذار روبرو هستند. تصورم اینست کارگران و نمایندگان صاحب صلاحیت آنها برنامه عملی که پاسخگوی این دوره گذار و یا به بیان دیگر دوره انتقال باشد را در دستور کار خود دارند و به همین دلیل خود را مجاز نمیدانم به این سطح از بحث در این مطلب ورود کنم. با این وجود به عنوان یکی از همگامان مبارزات کارگران هفت تپه، لازم میدانم، دل نگرانیهایم را در نکات زیر طرح کنم.

۱- ترفند فرسایشی کردن دوره گذار و یا دوره انتقال را باید خنثی کرد. یک حربه اسدیگی ها و دولت حامی و کل هیئت حاکمه، میتواند کشدار کردن دوره انتقال و فرسوده کردن کارگران در این پروسه باشد. کارگران هفت تپه نباید اجازه دهند این پروسه فرسایشی و کشدار شود. هر چه سریعتر و زودتر اسد بیگی ها و دارودسته اش به لحاظ عملی لازمست بیرون انداخته شوند. با تشخیص تناسب قوا و تاثیرگذاری مستقیم خود کارگران تکلیف مدیریت جدید کارخانه مشخص و دست بکار شود. این اقدام تضمین کننده ادامه کاری شرکت و تامین کار و حقوق کارگران است.

نسبت به مدیریت و اداره کارخانه و همه فعل و انفعالاتی که پیش میاید دخالت داده شوند و تصمیم گیرنده باشند. نباید گذاشت بین نمایندگان کارگران و توده کارگر هفت تپه شکافی ایجاد شود.

۵- در دوره جدید تداوم حمایت از کارگران هفت تپه و گسترش آن در داخل و خارج بسار ضروری است. سهل انگارانه است، با خشنودی از پیروزی شیرین کارگران هفت تپه، ضرورت و میرمیت ادامه همبستگی و حمایت قاطع از کارگران هفت تپه دست کم گرفته شود. به قول نمایندگان کارگران "اکنون در آغاز راه هستند"، که به نظرم قطعا بورژوازی خصوصی و دولتی زخم خورده و شکست دیده از دست کارگران هفت تپه با طرحها و توطئه های جدید میخواهند تلافی کنند. به زعمشان پیشروی بیشتر کارگران هفت تپه و به این اعتبار جنبش کارگری را سد کنند. با همه توان و خلاقیت باید اتحاد و همبستگی کارگری شایسته را در داخل و در سطح بین المللی تا تثبیت قطعی پیروزی کارگران هفت تپه میتوان و باید ادامه داد.

کارگران هفت تپه و جنبش کارگری ایران و همه نیروهای متعلق به این نبرد طبقاتی در بوته آزمایش سرنوشت سازی بسر میبریم. فرصت را از دست ندهیم.*

نگاهها به کارگران هفت تپه

دوخته شده است ...

۲- برای به کرسی نشاندن اراده جمعی، سروسامان گرفتن هرچه سریعتر شورا و بدست گرفتن ابتکار عمل توسط مجمع نمایندگان کارگران تاخیر بردار نیست و از نان شب واجب تر است. وقت آن است بیدرنگ مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه سرپرستی این دوره انتقالی را بعهده بگیرد و به عنوان ارگان اعمال اراده کارگران طرف حساب دولت و مقامات و نهادهای مربوطه اقتصادی و اداری زیربط باشد.

۳- اجرایی کردن هرچه سریعتر نظارت کارگری بر کل سوخت و ساز شرکت و همه امورات آن لازمه تضمین پیشروی و تحقق خواسته های کارگران است.

۴- در این دوره حساس خنثی کردن تفرقه اندازی سرمایه داران و دولت و دارودسته هایشان دقت و هوشیاری میطلبد. ادامه اتحاد و همبستگی کارگران هفت تپه کلید کار است. به این منظور مداوما لازمست توده کارگران هفت تپه در جلسات مجامع عمومی مستقیما در تصمیم گیرها

به کارگران مبارز هفت تپه

هفت تپه آینده را ترسیم میکند!

رسمیت دادن به خلع ید از اسدببگی کارفرمای مجتمع هفت تپه، محصول مبارزه و پایداری شماست. چه کسی تردید دارد که اگر اتحاد و رزم قدرتمند شما نبود، چه بسا امروز چیزی از هفت تپه باقی نمانده بود. نقطه قوت مهم مبارزه شما اینست که سیاست و جامعه را حول خود قطبی کرد، هفت تپه را به صدر اخبار و رسانه ها راند، امر کارگر را به آگاهی جامعه تبدیل و همه جناحهای سیاسی را ناچار به واکنش در قبال هفت تپه کرد. اعتصاب و مبارزه شما برای حقوق حقه خود محدود به هفت تپه نیست، کارگران هفت تپه در شکل دادن به افق و تاکتیک و سیاست کارگری در جنبش کارگری و جنبشهای برابری طلب و ضد تبعیض نقش تعیین کننده ای ایفا کرده اند. هفت تپه به سمبل مقاومت و اعتصاب و اعاده حرمت کارگر بدل شده است.

تردیدی نیست که پیروزی کنونی شما نه فقط صفوف کارگران هفت تپه را متحدتر می کند بلکه تاثیرات ماندگاری بر حرکت بخشهای مختلف جنبش کارگری در نبرد علیه خصوصی سازی و متعلقات آن میگذارد. پیروزی در هفت تپه خوش بینی و اعتماد میان کارگران را تقویت کرده و این به سهم خود تجارب و سنت شورائی شما را بیش از پیش به الگوی مبارزاتی در جامعه بدل می کند. این پیروزی آغاز فصل جدیدی در مبارزه کارگران هفت تپه است. تردیدی نیست با اتکا به قدرت اتحاد و دخالت و تصمیم جمعی میتوان قدم بقدم مشکلات را رفع و شرایط را بنفع کارگران و مردم تغییر داد.

از جانب حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شما کارگران مبارز و شریف هفت تپه و خانواده های گرامیتان، به طبقه کارگر و حامیان هفت تپه صمیمانه تبریک می گویم. ما خود را در شادی و احساس پیروزی شما شریک میدانیم و به تلاش طولانی و ثابت قدم تان درود میفرستیم.

هفت تپه آینده را ترسیم میکند. درود بر رزم و اتحادتان!

از جانب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
سیاوش دانشور

اعلامیه حزب حکمتیست

خلع ید از اسدیگی،

این پیروزی نتیجه استقامت شماست!

کارگران مبارز هفت تپه بدنبال پنج سال تلاش و مبارزه به قولشان عمل کردند و امید اسدیگی کارفرمای فاسد و ضد کارگر را از هفت تپه بیرون انداختند. خلع ید از اسدیگی یک گام بجلو و یک پیروزی برای مبارزه کارگران بویژه در دو سال اخیر است که خواست خلع ید از بخش خصوصی طرح شده بود. کارگران هفت تپه و خانواده هایشان میروند که با شادی و غرور پیروزی شان را جشن بگیرند. آنها احساس پیروزی می کنند و این بسیار واقعی است، مانند اسدیگی با تداوم هفت تپه و کارگرانش مانع الجمع بود. خواست بیرون انداختن اسدیگی و خلع ید از وی بعنوان یک کارفرمای ابراختلاسگر و ویرانگر به صدر رانده شد و نهایتاً محقق شد. کارگران هفت تپه با اتکا به قدرت اتحاد و یگانگی شان و با استقامت و کوتاه نیامدن، اسدیگی را از مجتمع هفت تپه بیرون انداختند. کارگران هفت تپه نشان دادند و اثبات کردند که مبارزه واقعی و مبتنی بر درک شرایط مشخص، علیرغم تمام مشکلات و محدودیتها و موانعی که وجود دارند، میتواند بیوقفه پیش برود و نهایتاً پیروز شود. امروز رای دادگاه قوه قضائیه بدلیل محاسبات مورد نظرشان با تاخیر اعلام شد. بالاترین نهادهای حکومتی با برسمیت شناسی خواست کارگران و اعلام خلع ید از اسدیگی، عقب نشستند و بر قدرت اتحاد کارگری صحنه گذاشتند.

این پیروزی کارگران هفت تپه را در موقعیت جدیدی قرار میدهد. کارگران بدست اعلام کرده اند که هفت تپه مال ماست، لذا خلع ید اسدیگی آغاز راه است. حال که هفت تپه از خطر نابودی و تعطیلی و بیکارسازی وسیع موقتاً جسته است، وقت آنست که این پیروزی به تحکیم موقعیت شغلی و قراردادهای و شرایط کار و ایجاد شورای مستقل کارگران و اعمال نظارت شان به همه امور منجر شود. کارگران هفت تپه و خانواده هایشان در این سالها متحمل اذیت و آزار و رنجهای فراوانی شدند اما تسلیم نشدند. کارگران هفت تپه حاضر نشدند محل کار چندین نسل شان به حکم منافع سرمایه دارانی چون اسدیگی و حمایت حکومتی ها نابود شود، مقابل این روال ایستادند و حرفشان را به کرسی نشاندند. وقت آنست روی دوش این پیروزی و اتحاد و اعتماد گسترده تری که ایجاد کرده است، با اتکا به مجمع عمومی و سنت شورائی شان، گامهای دیگر را بردارند. همکاران اخراجی از جمله آقایان اسماعیل بخشی و محمد خنیفر باید به کار برگردند و پرونده های قضائی علیه کارگران مختومه اعلام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این پیروزی درخشان و مهم را به کارگران هفت تپه صمیمانه تبریک میگوید. امروز در شادی شما بخشهای مختلف طبقه کارگر، دوستانان جنبش کارگری و همراهان همیشگی مبارزه و اعتصاب کارگران هفت تپه، شریک اند. این پیروزی تأثیرات بلافصل در جنبش کارگری و روحیه کارگران دارد. پیروزی در هفت تپه مبارزه علیه خصوصی سازی و متعلقات آنرا تشدید می کند. تجربه عملی کارگران هفت تپه نشان داد که قدرت مبارزه و اتحاد هر ناممکنی را ممکن میکند.



کارگران شریف هفته تپه، پیروزیتان مبارک! زنده باد هفت تپه قهرمان، پایتخت اعتصاب جهان! درود بر رزم و اتحادتان!



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۸ مه ۲۰۲۱

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی، درمانی، بهداشتی و واکسیناسیون رایگان ساکنین ایران در شرایط گسترش پاندمی کرونا است!

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

اسماعیل چگونه اسماعیل شد

جاوید حکیمی

سرانجام کارزار بزرگ اردوی کار علیه سرمایه در هفت تپه که این اواخر تحت عنوان "خلع ید، یک کلام، والسلام" پیش برده می شد گامی بزرگ به جلو برداشت و از زانو خلع ید گردید. والسلام، گواه اراده خلل ناپذیر کارگرانی بود که عزم جزم کرده بودند این بار اگر از آسمان گلوله بیارد یا دلار، از مطالبه خود کوتاه نیابند. والسلام، "نه"ی قاطعی بود به هرگونه تلاش حکومت برای ابقای زانو از طریق سرکوب و سازش و تهدید و تطمیع کارگران. هفت تپه ای ها همصدا با هم و متنفر از زانو اعلام کردند زانو باید برود و چنان بر مطالبه خود استوار ایستادند تا سرانجام زانو رفت. سزاوار بود این پیروزی بزرگ به کارگران صمیمانه تبریک گفته شود و توسط خودشان جشن باشکوهی برگزار گردد.

هفت تپه نخستین واحد تولیدی نیست که از مالک آن خلع ید می شود. با این همه فقط هفت تپه بود که به حق "پایتخت اعتصاب جهان" لقب گرفت و فقط هفت تپه بود که شماری از شخصیت های برجسته کارگری از جمله اسماعیل بخشی را به جنبش کارگری تحویل داد. در هفت تپه پس از خلع ید، کارگران نماینده اخراجی خود که تا پای اعدام رفته بود را در میان موجی از احساسات مهارناشدنی و وصف ناپذیر به کارخانه آوردند. برای انسان ها هیچ چیز زیباتر و هیجان انگیزتر از تحقق بیرونی منویات درونی شان نیست و حالا تمایل قلبی کارگرانی محقق شده بود که روزی در خیابان فریاد زده بودند؛ "اسماعیل را گرفتند ما همه بخشی هستیم". آری کارگران در روز جشن خلع ید، جملگی تن واحدی شده بودند، همه، بخشی شده بودند. بدینسان خلع ید در پایتخت اعتصاب جهان طعم دیگری داشت و لاجرم تبعات دیگری. همین طعم و تبعات است که دشمنان کارگران را می ترساند و دوستان نادان را آزار می دهد. حقیقت این است که هفت تپه علاوه بر خلع ید از اسدیگی، برای تمام زالوهای دیگر نیز یک استخوان لای زخم تولید کرد؛ اسماعیل.

اندیشه، زمانی منشا تاثیر و تغییر خواهد شد که به نیروی مادی تبدیل شود وگرنه مفت نمی آرد. یک فکر احمقانه اگر پنج میلیون مدافع هم داشته باشد همچنان احمقانه است لیکن در حالت اخیر می تواند بانی احیاء و تحرک جنبشی به غایت کثیف و ارتجاعی شود. این حکم در خصوص اندیشه های انسان دوستانه و جنبش های مترقی نیز صادق است.

برای کسانی که جامعه را صحنه جدال مکاتب می دانند تبدیل اندیشه به نیروی مادی سخنی است بی معنا. آنها متعهد به عقاید "صحیح" خود هستند و نه ایستادن در صف درست جدال طبقاتی. نزد آنها، کارگری که چفیه می بندد و با بسم الله سخنش را آغاز می کند عنصری ناآگاه و آزار دهنده است ولو بر ضرورت شوراها مستقل کارگری اصرار ورزد. بالعکس، روشنفکری که بر یک حقیقت انتزاعی پای می فشارد و نمی تواند دو نفر را متحد نمی کند فردی آگاه است و شایسته تکریم.

هنر بزرگ اسماعیل توانایی او در تبدیل ایده های خود به نیروی مادی و بنیادین است. سخت ترین کار دنیا سازماندهی است و نه روشنگری؛ حفظ اتحاد و انسجام میان کارگران تقسیم شده به قوم و جنسیت و دین و ملیت های مختلف است. اسماعیل به مثابه یک رهبر عملی کارگران، هنر عقب نشینی از یک شعار رادیکال برای حفظ همبستگی و ادامه نبرد را خوب می داند.



اسماعیل آن زمان که کارگر هفت تپه بود و عضو مجمع عمومی، جنبش کارگری را با مطالبه تشکیل شورای مستقل کارگری و کل جامعه را با شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی به هیجان آورد. تا اینجا برای چپ متعهد به عقیده، او عزیز بود و قابل احترام. زمانی که مجمع عمومی قلع و قمع گردید و اسماعیل خود یکی از اخراج شدگان، این بار برای ممانعت از موج کارگر سنیزی و انتقام گیری عوامل زانو از کارگران پیشرو و معترض، نوشت خلع ید، یک کلام، والسلام. اینجا بود که اسماعیل آماج افترا و تهمت از سوی زانو و مزدورانش و طعن و تمسخر از جانب چپ مکتب زده و "سوپر انقلابی" قرار گرفت. به هر رو مطالبه خلع ید نیز می توانست تنها به صورت یک هشنگ ساده از دنیای مجازی فراتر نرود. لیکن وقتی پنج هزار کارگر پشت این فراخوان بسیج شدند آنگاه به یک سیل بنیان کن تبدیل گردید. از آن پس بر ما مسلم شده بود زانو رفتنی است. مایی که قدرت طبقه را می شناختیم و به آن باور داشتیم. اینکه مقامات حکومتی همچنان و صرفاً از سر زبونی و استیصال مدام حرفهای خودشان را آشکارا تایید و تکذیب نمایند سر سوزنی از ارزش این پیروزی سترگ کارگران نمی کاهد.

شخصیت های اجتماعی در شکست و پیروزی های جنبش های اجتماعی سهم انکار ناشدنی دارند. بی گمان بود و نبود اسماعیل می تواند مسیر پرسنگلاخ مبارزه را برای کارگران هموار یا دشوارتر نماید. هم از اینروست که کوشش آشکار و پنهانی صورت می گیرد برای ترور شخصیت اسماعیل و تخریب موقعیت منحصر به فرد وی بین کارگران. با این همه معضل اصلی سرمایه داران نه اسماعیل، بلکه آن کارگرانی است که جرات کرده اند رهبر شایسته خود را به نشانه پیروزی بر دوش بگیرند و روی سنگر بیاورند. زالوهای نشسته در نهادهای اصلی تصمیم گیری سه قوه می دانند اسماعیل هر چقدر شجاع و جسور، بالاخره یک نفر است؛ می شود او را گرفت، شکنجه کرد و تا پای اعدام هم برد؛ با آن چند هزار کارگری که پشتیبانی چند میلیون هم طبقه ای و حمایت سایر جنبش های اجتماعی را با خود دارند چه باید کرد. آنها خوب می دانند اگر مقاومت و پایداری طولانی و حماسی کارگران نبود نه اسماعیل و نه هیچ نماینده کارگری دیگر صرفاً با اتکا به فضایل فردی خویش به چنین جایگاهی نمی رسد. چنانکه پلخائف به درست گفته است اراده سهمگین رهبران جنبش های اجتماعی برای انجام اعمال خیره کننده نتیجه اعتماد و حمایت بی دریغ بدنه جنبش ها به رهبران خویش است. این کارگران هستند که اسماعیل را اسماعیل کرده اند. نفوذ کلام و قدرت او تبلور جسارت و قدرت کارگران هفت تپه است. زالوهای تمام کارخانه ها اکنون یگانه دغدغه شان این است؛ مبادا هفت تپه الگوی هر واحد تولیدی قرار گیرد، مبادا کارگران هر واحد تولیدی، اسماعیل های خودشان را کشف کنند.

روز حکمت را گرامی بداریم

انسانیت به کمونیسم حکمت نیازمند است

رحمان حسین زاده



از سر این نیاز جدال طبقاتی و اجتماعی به عنوان پلاتفرم طبقه کارگر آگاه ضرورت پیدا کرده است. به میان کارگران و جامعه تشنه آزادی راه باز کرده و از همین سر هم مداوما و بیش از پیش باید قابل دسترس و به میان کارگران و جامعه برده شود.

روز چهاردهم خرداد (چهارم ژوئن) هر سال روز تولد منصور حکمت، روز گرامیداشت رهبر جنبش کمونیسم کارگری، فقط یک فرصت مشخص و معین در راستای قابل دسترس کردن و معرفی ابعاد همه جانبه کمونیسم کارگری حکمت و مانیفیست "دنیای بهتر" مورد نیاز جدال طبقاتی و انبوه سیاستهای کمونیستی این مارکسیست برجسته در پیچ و خم مبارزه همه جانبه طبقه کارگر در این دوران است.

گرامیداشت حکمت و معرفی کمونیسم کارگری حکمت

روز گرامیداشت حکمت آکسیون حزبی و یا غیر حزبی نیست، مراسم تعلق خاطر شخصی به منصور حکمت هم نیست. هدف معرفی کمونیسم کارگری حکمت است. مضافاً گرامیداشت حکمت مختص فعالین حزب کمونیست کارگری - حکمیتست و یا بهتر بگویم محدود به فعالین حزب نیست. این هفته به همه دوستداران حکمت و به صفوف گسترده جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی متعلق است. فعالین حزب هم به عنوان بخشی از دوستداران حکمت لازمست ممتکر و پیشقدم اقدامات مربوط به گرامیداشت این روز باشند. گرامیداشت حکمت، به سهم خود میخواید منصور حکمت این رهبر تاریخ معاصر آزادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسمش را به جامعه بشناساند. افکار، سیاست، انسانگرایی عمیق و تصمیمات سرنوشت ساز او را به جامعه معرفی کند. طبقه کارگر و جامعه تشنه آزادی، به فکر و سیاست و آلترناتیوهای حکمت نیازمند است. انسان خواستار رهایی، کارگر ضد استثمار، زن خواستار برابری، جوان خواهان سعادت و شادی و آینده بهتر، جنبش حقوق کودک و در یک کلام جامعه عاری از هر نوع ستم و تبعیض و نابرابری و جهل و خرافه مذهبی و ملی و عقب مانده، بی تردید به سیاست و پراتیک درخشان منصور حکمت نیازمند است. حاصل ۲۵ سال زندگی سیاسی حکمت را باید قابل دسترس کرد. روز تولد و مناسبت گرامیداشت حکمت فرصتی است که هر دوستدار منصور حکمت به سهم خود حکمت را به میان کارگر و مردم برسد. هر کس به سهم خود میتواند کاری بکند. در داخل کشور موانع تحمیلی جمهوری اسلامی و امسال هنوز محدودیتهای ایجاد شده کرونا، دامنه عمل اقدامات مورد نظرمان را محدود میکند، اما با وجود آن بسیاری کارها شدنی است. کفایت جمع دوستداران حکمت آشنا و مورد اعتماد هم دور هم با رعایت موازین بهداشتی و پزشکی جمع شوند، آنوقت مجموعه ای از اقدامات، از مطالعه و بازخوانی آثار او، از پخش و تکثیر و توزیع آثار کتبی و صوتی و تصویری او را در دستور بگذارند. به ویژه هر فرد و یا جمع دوستدار منصور حکمت خلاقانه در شبکه های اجتماعی و رسانه های تصویری و صوتی و کتبی میتواند در شناساندن حکمت و توزیع نشر آثار او دست به ابتکاری بزنند. به جلب و جذب فعالین کارگری و چپ و آزادیخواه حول کمونیسم کارگری حکمت یاری رسانند. توزیع وسیع تراکت و پوستر به مناسبت روز حکمت ساده ترین صفحه ۸

وارونگی دنیای امروز برکسی پنهان نیست. روزمره و مستمر زشتیها و تبااهی های نظم حاکم در ابعاد فاجعه باری انسانیت را زیر ضرب گرفته است. ایدئولوگها و مفسرین و حکومتگران نظم بورژوازی و عده میدهند، که با گسترش سرمایه و جهانی شدن آن، تامین زندگی و امنیت و آرامش و رفاه جوامع بشری تضمین خواهد شد. اما فجایع تکان دهنده نظم سرمایه در چهار گوشه جهان و در همه قاره ها افشاگر ادعاهای آنها و نظم جهانی سرمایه است. پدیده های سبعانه و تحمیل شده چون ریاضت کشی اقتصادی و تعرض معیشتی کمرشکن در سراسر جهان و در خود غرب و اروپای صنعتی علیه طبقه کارگر و مردم، عروج ناسیونالیسم و فاشیسم و راسیسم و مذهب و خرافه های انسان ستیز، جنگ و زورآزمایی نظامی قدرتهای بزرگ جهانی و دولتهای منطقه ای و محلی به قیمت تباهی زندگی میلیونها انسان، عروج شاخه های مختلف تروریسم بین المللی اعم از تروریسم دولتی و اسلامی و قومی و کارکردهای سبعانه آنها، از جمله و هم اکنون جنگ در حال جریان تروریسم دولتی اسرائیل علیه مردم فقرزده غزه و متقابلاً موشک پراکنی تروریسم مذهبی حماس و جهاد با حمایت رأس تروریسم اسلامی دنیا یعنی جمهوری اسلامی و میداننداری القاعده و طالبان و داعش و بوکوحرام و دستجات گوناگون "گرگهای" قومی در جای جای جهان معاصر و معماری سناریوهای سیاه در هم کوبنده شیرازه زندگی بشر، همگی طبق منفعت سرمایه و ریشه در نظم گنبدیده سرمایه داری "مدرن" در آغاز قرن بیست و یکم دارد. فاجعه کرونا در یکسال و نیم اخیر مورد بسیار شاخص ارجحیت سودورزی سرمایه بر حیات انسان و بیش از هر پدیده ای افشاگر ماهیت قویا ضد انسانی نظم سیاه کاپیتالیسم است.

در مقابل این زشتی ها و تباهیها و در تناسب قوای به شدت نامساعد اما، جدال طبقاتی بیوقفه در جامعه در جریان است. جدالی مستمر، گاه نهان و گاه آشکار به وسعت دنیای وارونه امروز. جدالی که برخلاف تصور محدود نگرانه و مصلحت گرایانه، منحصر به صحنه های بروز آشکار در اعتصابات، تظاهراتها، آکسیونها، صف بندیهای رودررو، انتخاباتها، دباتها، صحن کارخانه، جنگ و گریز خیابانی، جنگ ها و نبردهای نظامی و ... نیست. هریک از این صحنه ها زیر هر نام و پرچمی تنها گوشه هایی از واقعیت بنیادی تر جدال طبقاتی جاری است، که مهر خود را هر لحظه و روزمره بر کل تحرک جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و بر کل فعل و انفعال انسان دنیای معاصر کوبیده و به قول مارکس "موتور محرکه تاریخ است". در دو سوی این جدال، طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار با منافع آبی و آبی، با منافع اقتصادی و سیاسی و با افق و سیاست متقابل ایستاده اند. افق و سیاست کمونیستی و کمونیسم کارگری پرچم طبقه کارگر در این جدال است. کمونیسم کارگری از دوره مارکس تا حکمت با مانیفیست کمونیست و دنیای بهتر،

روز حکمت را گرامی بداریم

انسانیت به کمونیسم حکمت نیازمند است ...

کاری است که میتواند وسیعا در شهرها انجام گیرد.



فلسطین،

از استقلال تا آزادی!

منصور حکمت

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قبل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاندا دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خطر رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوست. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است.

اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قومگرایی و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهایی که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند.

استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

در خارج کشور هم امسال محدودیتهای کرونایی سمینارهای حضوری را به شدت کم کرده، اما با برگزاری میزگردها و سمینارهای نئی، ترتیب سخنرانیها و جلسات توضیحی و ترویجی در مورد آثار شاخص حکمت، پخش سی دی سخنرانیها میتوان سهم خوبی را در معرفی کمونیسم حکمت برعهده گرفت. نه تنها رسانه های حزبی ما، بلکه جا دارد، رسانه های کمونیستی، نشریات و رادیو و تلویزیون چپ و آزادیخواه سهمی در گرامیداشت و معرفی عمیق تر و وسیع تر منصور حکمت به عهده بگیرند.

به علاوه شخصیتها و فعالین کمونیستی که شانس کار مشترک و نزدیک با این انسان بزرگ را پیدا کرده اند، ضروری است، درسهای با ارزش و نوشته نشده ای از روش و سبک کار و مناسبات کمونیستی حکمت، از تواضع و فروتنی و صراحت و انسانیت و از ابتکارات و خلاقیتها و استعدادهای فراوان این سمبل کمونیسم را برای نسل کمونیست حاضر بگویند و بنویسند. بدون اینکار شناخت از حکمت و کمونیسم وی ناقص خواهد ماند.

فراخوانم اینست کاری کنیم که در پایان روز تولد حکمت و مناسبت گرامیداشت او تعداد زیادی با حکمت و کمونیسم و انسانیتش آشنا شوند. حول سیاستها و اهداف رهبر برجسته کمونیسم کارگری متحد شوند. افق و سیاست و تحزب کمونیستی کارگری را آنطور که منصور حکمت مبتکرش بود، به عنوان ابزار موثر پیشبرد جدال طبقاتی گسترده و سرنوشت ساز در جهان معاصر و در این دوران به دست بگیرند. دوستداران حکمت و صفوف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و فعالین آن را به چنین اقدامات و بسیاری ابتکارات دیگر در خارج و داخل کشور فرامیخوانیم.

اکتبر ۲۰۰۰

مجرم اصلی جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه ای است!

نادر شریفی



مقدمه

جمهوری اسلامی ایران پس از خروج ایالات متحده از توافق هسته ای در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ می ۲۰۱۸) و آغاز کارزار "فشار حداکثری" که تمام بخش های اقتصاد ایران را هدف قرار میداد با بحران اقتصادی دامنه دارتری روبرو شد. طی نیمه اول سال جاری شمسی ۱۳۹۹ بحران اقتصادی حکومت اسلامی بواسطه عوامل

دیگری مانند شیوع ویروس کرونا، سقوط قیمت نفت و مشکلات عدیده در فروش آن تشدید شد، به طوری که جمهوری اسلامی در یکسال گذشته در مقابل رشد منفی اقتصادی با صدها میلیارد دلار کسری بودجه نیز روبرو شده است.

با نگاهی به فضای اجتماعی سیاسی ایران تنها طی سه تا چهار سال گذشته می توان گفت که بحرانهای اقتصادی، سرکوب خونین جوانان در دی ۹۶ و آبان ۹۸، لاقیدی به شیوع ویروس کرونا و حمایت های بیدریغ این حکومت از نیروهای ارتجاعی شبه نظامی در منطقه، بازتاب ها و پیامدهای تاثیرگذارتری بر جنبش های اجتماعی بخصوص در جامعه ایران گذاشته است و چشم انداز عبور از جمهوری اسلامی هم در داخل و هم در منطقه را عیان تر از هر زمانی کرده است. چپاول و غارت بی پایان سردمداران نظام، حمله به سطح معیشت طبقه کارگر برای تامین هزینه های حکومتی، استثمار شدید، سقوط پول ملی در مقابل دلار و یورو و دهها شاخص عمده اقتصادی دیگر، باعث افزایش بی سابقه فقر، بی خانمانی و گرسنگی میلیونی در ایران شده است. سیاست عدم تعهد به حفظ جان مردم در مقابل پاندمی کرونا چیزی بغیر از تائید کشتار دستجمعی مردم ایران برای حفظ نظام اسلامی نیست. همه اینها نشان دهنده وضعیت بی ثبات و بشدت شکننده جمهوری اسلامی است که همه آنرا می بینند.

بنابر این در بحبوحه مذاکرات وین و احتیاج مبرم جمهوری اسلامی از رهایی از تحریم اقتصادی دولت آمریکا، جمهوری اسلامی را با مشکلات عدیده دیگری روبرو کرده که باید هرچه سریعتر برای آنان جوابی می یافت.

موافقت پرداخت ماهانه ۳۰ میلیون دلار ی به جنبش حماس

به گزارش روزنامه فرامنطقه ای "الشرق الاوسط" به نقل از منابع اسرائیلی و شبکه تلویزیونی ۱۲ اسرائیل، علی خامنه ای رهبر ایران در دیدار اخیرش با ۹ تن از نمایندگان جنبش حماس در تهران با افزایش حمایت مالی ماهیانه ایران از جنبش حماس تا سقف ۳۰ میلیون دلار در ماه، موافقت کرده است. دولت اسرائیل معتقد است که حماس متعهد شده است که در ازای سی میلیون دلار کمک مالی جمهوری اسلامی "دربراره توانمندی موشکی و نظامی اسرائیل" اطلاعات جمع آوری کرده و بدست جمهوری اسلامی برساند. اما بنظر من نزدیکی دوباره جمهوری اسلامی با حماس که به دلیل اختلافات در مواضع سران رژیم ایران و رهبران جنبش حماس درباره رژیم سوریه بالغ بر ۷۰ میلیون دلار در سال یعنی کمتر از ۶ میلیون دلار در ماه کاهش یافته بود، با تعهد کمک سی میلیون دلاری ماهانه یعنی ۳۶۰ میلیون دلار در سال به حماس

ریشه بحران و ورشکستگی اقتصادی در جمهوری اسلامی اساسا سیاسی است. امروز و پس از بیش از یکسال از عروج پاندمی کرونا، محاصره اقتصادی، سرکوب خونبار دو خیزش توده ای، تعمیق چپاول منابع طبیعی و حملات گسترده به حداقل سطح زندگی طبقه کارگر ایران، نه تنها معضلات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را برطرف نکرده و بنابراین نظام اسلامی تحکیم نشده است بلکه از نظر اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و با آن کل جنبش ارتجاعی اسلامی در منطقه بی ثبات تر از هر زمانی شده است. تاکنون این آمریکا و دول مرتجع و تروریست هستند که جهت اهداف خود این نیروها را ساختند و نگاهداشتند و تا اطلاع ثانوی برای عقب راندن و سرکوب جنبش های آزادیخواهانه، چپ، کمونیست و کارگری در حال رشد در منطقه و بخصوص در ایران و عراق و لبنان نیاز دارند.

گسترش چندصد درصدی مبارزات کارگری، اعتصابات معلمان و بازنشستگان و اعتراضات روزانه جوانان و زنان و آزادیخواهان از عراق تا لبنان و یمن و فلسطین و ... بر کسی پوشیده نمانده است. جمهوری اسلامی چه در چهارچوب مرزهای سیاسی خود و چه در خارج آن در وضعیت بی ثباتی بصری برد. سرکوب خونین آبان نودوشت در ادامه دیماه نودوشش نه تنها "موقعیت" مناسبی را در عقب راندن جنبش سرنگونی طلب به ارمغان نیآورد بلکه سرود افول جمهوری فاشیستی اسلامی، بعنوان دژ ارتجاع اسلامی سرمایه در منطقه نیز نوازیده شد. جمهوری اسلامی امروز با ایجاد تشنج و ناامنی، ترور شخصیت های اجتماعی، بمب گذاری، پرتاب موشک و راکت زدن به محل زندگی و کار انسانها در یک جنگ نیابتی در منطقه، خواهان ایجاد فشار به غرب و حامیان او در منطقه است! بقولی جمهوری اسلامی تیر آخرش را شلیک کرده است! گله آدمکش خود (ولی با شانه خالی کردن از هرگونه مسئولیتی) را بسراغ مردم بی گناه منطقه فرستاده است تا به غرب نشان دهد که نیروهای سپاه پیرو او می توانند هم منافع غرب و اسرائیل را بخطر بیندازند و هم منطقه را به خاک و خون بکشند! و دست آخر جمهوری اسلامی بطور حتم و در درجه اول در کنفرانس وین، خواهان آن است که غرب و بخصوص آمریکا پروژه سرنگونی نرم جمهوری اسلامی را کنار بگذارد و به ضرورت جمهوری اسلامی برای حفظ "منافع غرب" تن داده و شاید حتی به حمایت از جمهوری اسلامی در جنگ طبقاتی آینده نزدیک در ایران در کنار حکومت بایستاد. در ریزنی برجام دو غرب هم شرط و شروطی دارد که بطور حتم ربطی به منافع و زندگی و امنیت شهروندان منطقه ندارد. در پایان این مذاکرات و قراردادهای، چه تعهداتی دو طرف در حفظ "منافع مشترک" به همدیگر میدهند و تا چه حد به آن پایبند می مانند، بحثی است که امروز بیشتر از حدس و گمانه زنی فراتر نخواهد رفت.

مجرم اصلی جمهوری اسلامی و شخص

علی خامنه ای است ...

در کنار جاسوسی برای جمهوری اسلامی از سر گرفته شده، نشان از احتیاج میرم جمهوری اسلامی به حماس برای ایجاد تشنج در منطقه برای فشار به کنفرانس وین و همچنین "انتقام" از دولت اسرائیل به خاطر حملات به تاسیسات اتمی و کشتن کارشناسان ارشد او ارتباط دارد. بنابر این با قرار گرفتن حماس در لیست دریافت کنندگان کمک مالی ۳۶۰ میلیون دلاری از سوی جمهوری، حماس ۱۱۰ موشک به سمت تل آویو و ۱۰۰ موشک دیگر نیز به سوی شهر بیرشوا شلیک کرد. البته حماس این حملات را پاسخی به حمله هوایی اسرائیل به یک ساختمان چند طبقه در نوار غزه معرفی کرده بود ولی روشن است نه حماس، نه جمهوری اسلامی و نه دولت اسرائیل در تعقیب سیاست های ارتجاعی و سلطه طلبانه خود، ارزشی برای از دست رفتن جان انسانها قائل نیستند. دیدار محرمانه نمایندگان حماس با فرماندهی سپاه پاسداران ایران برای بررسی امکانات مالی و نظامی جنبش حماس و رایزنی درباره مکانیسم هماهنگی مشترک میان آنها و میزبانی اعضای گردان های «القسام» شاخه نظامی جنبش حماس برای تعلیم و تجهیز نظامی آنان ربطی به حفظ جان شهروندان جامعه نه در نوار غزه، نه در تهران و نه در تل آویو ندارد. موضوع جدال دولتها و گروه های تروریستی در منطقه است. تنها در نتیجه حملات اسرائیل به نوار غزه، ۶۵ نفر از جمله ۱۶ کودک، ۵ زن و یک کهنسال کشته و ۳۶۵ تن دیگر زخمی شدند.

ایجاد تنش در افغانستان

شاپور حسن زوی نماینده مردم لوگر در مجلس نمایندگان افغانستان دوشنبه ۱۰ مه در یک مصاحبه معتقد است که حمله بر مکتب در کابل کار ایران است و جاسوسان ایران با حضور در مجلس نمایندگان این کشور، نقش مزدوران جمهوری اسلامی را در افغانستان بازی میکنند. در نتیجه انفجار روز شنبه ۸ مه در مقابل مکتب «سیدالشهدا» در منطقه «دشت برچی» ۵۸ نفر کشته و ۱۵۰ تن دیگر زخمی شدند. محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان طالبان را مسئول و مقصر این حمله دانست. سخنگوی گروه طالبان اما در گفت و گوی اختصاصی با شبکه «ایران اینترنشنال» گفته که طالبان در حمله اخیر در کابل دست نداشته اند و او این حمله را «یک عمل غیر انسانی» خوانده است. فراموش نکنیم که اکتبر سال گذشته هیئت رسمی از طالبان به تهران سفر کردند و در ادامه آن طالبان از حضور در مذاکرات دوحه برای بازگشت به صلح در افغانستان سرباز زدند. صرف نظر از اینکه طالبان رسماً دخالت خود را در بمب گذاری جلوی مدرسه محکوم کرده باشد یا نه، بایستی اعلام کرد که ایجاد تشنج در افغانستان، شروع درگیریها بین نیروهای طالبان و ارتش افغانستان امروز تنها و تنها بنفع جمهوری اسلامی در ایجاد تشنج در منطقه و استفاده از آن برای امتیازگیری در مذاکرات وین است.

تشدید تنش در یمن

دولت بایدن چند روز پس از روی کار آمدن، حوثی ها را از فهرست گروه های تروریستی حذف کرد. این اقدام به مثابه یک هدیه مجانی از سوی دولت آمریکا به جمهوری اسلامی ایران تلقی می شود که بدون توجه به حملات گسترده و روزمره حوثی ها صورت گرفت. تجربه حوثی های یمن و تمام گروه های شبه نظامی پیرو رژیم ایران در چند دهه گذشته نشان میدهد که حسن نیت داشتن با جنبش های سیاه تروریستی اسلامی و بخصوص جنبشهای تحت حمایت جمهوری اسلامی نه تنها فایده ندارد، بلکه عواقب بسیار سختی از جمله برای منطقه بهمراه خواهد آورد. همه بلاهایی که توسط جمهوری اسلامی و دار و دسته تروریستی آنها در عراق و حزب الله لبنان بر سر منطقه آمده و می آید از طریق حوثی ها در یمن تکرار خواهد شد. برای اثبات این ادعا کافی است که به گزارش هشت مارس برای زنان یمن که مرکب از انتلافی از سازمانهای غیر انتفاعی بنام صلح در یمن است، اشاره شود:

آمار زنان دربند و پرونده سازی در یمن

در گزارش ۸ مارس برای زنان یمن به موارد بسیار زیادی در نقض حقوق زنان از سوی گروه حوثی ها از دسامبر ۲۰۱۷ تا دسامبر ۲۰۲۰ اشاره شده است. طبق گزارش، تعداد زندانیان زن به یک هزار و ۱۸۱ نفر می رسد که از این مجموع ۲۷۴ نفر در دسته ناپدید شدگان قهری و ۲۹۲ زن فعال حقوقی و شاغل در آموزش و پرورش (یعنی همان معلمان! شباهت واقعی میهوت کننده نیست؟) بوده و ۲۴۶ نفر در حوزه امداد رسانی و کمک های بشر دوستانه کار می کنند. این گزارش به ۷۱ مورد تجاوز و ۴ مورد خودکشی زنان در زندان اشاره کرده است. تعداد زندانیان زن زیر ۱۸ سال به بیش از ۲۹۳ نفر می رسد. ده ها کودک دختر و پسر به همراه مادران دربند در بازداشتگاه ها نگهداری می شوند. ۸ زندانی بهایی هستند. موارد نقض حقوق زنان به ویژه در بازداشتگاه های حوثی ها متنوع و متعدد گزارش شده؛ از قتل و بریدن اعضا گرفته تا سلول انفرادی و آدم ربایی و تجاوز. زنان دربند در این بازداشتگاه ها توسط بازجو و مسئولان زندان مورد تجاوز قرار می گیرند. چندین مورد خودکشی دختران دربند در زندان مرکزی صنعاء گزارش شده که حوثی ها در این موارد اجازه کالبد شکافی یا حتی انتشار گزارش پزشک قانونی یا تحقیق در مورد دلایل مرگ در بازداشتگاه ها را نمی دهند. زنان دربند در معرض انواع شکنجه سیلی و کتک خوردن با باتوم برقی و چماق و خفه کردن تا حد بیهوشی و القای حس غرق شدن گرفته تا حمله لفظی و توهین و تحقیر و شکنجه سفید روبرو هستند. زندانیان زن از طریق این شکنجه ها وادار می شوند به جرایم اخلاقی مثل راه اندازی باندهای روسپی گری اعتراف کنند که هیچ گاه مرتکب نشده اند.

تشدید تنشها در سوریه در هر فرصت ممکن

وقاحت جمهوری اسلامی در سوریه از "حد و مرز" گذشته است. جمهوری اسلامی با حمایت از حکومت بشار اسد نه تنها باقی مانده دولت سوریه را در ازای حمایت از اسد بخود وابسته کرد بلکه سوریه را تحت اشغال نیابتی خود نیز درآورد. جمهوری اسلامی با استقرار گروه های شبه نظامی تابع خود در سوریه و کوچ

مجرم اصلی جمهوری اسلامی و شخص

علی خامنه ای است ...

اجباری مردم کشور و غارت دار و ندارشان، مزدوران و نیروهای شبه نظامی اش را در خانه های مردم آواره سوریه اسکان داده است. هدف دیگر جمهوری اسلامی در استقرار در سوریه نزدیکتر شدن به مرزهای اسرائیل و ایجاد رعب و وحشت بیشتر در منطقه است که درگیریها، بمب باران، کشتار نظامیان و غیر نظامیان در آنجا یکی از اخبار روزانه در منطقه شده است.

تشدید تنش در لبنان با تقویت حزب الله لبنان و ترور مخالفان جمهوری اسلامی

آگاهان سیاسی معتقدند که قتل لقمان سلیم، سرآغاز قتل های زنجیره ای در لبنان خواهد بود. پرونده ترور لقمان سلیم پژوهشگر و فعال سیاسی لبنانی بسته نشده است. اقدام جنایتکارانه ترور منتقد و مخالف سرسخت حزب الله لبنان برای مردم این کشور غافلگیر کننده بود. سلیم همواره مورد هجوم گسترده حزب الله لبنان قرار داشت و همیشه به او برچسب "خانن" می زدند تا جایی که پارسال با ورود به خانه اش به نشانه تهدید و اراغاب یک تیر و یک اسلحه صدا خفه کن با یک نامه تهدید آمیز برایش گذاشته بودند. اما لقمان سلیم هیچگاه کوتاه نیامد و از نقد حزب الله دست نکشید و معتقد بود که در سیاست حزب الله بدنبال منافع جمهوری اسلامی است و نه چیز دیگر. لقمان سلیم در سال ۲۰۰۴ یک مرکز پژوهش و تحقیق به نام «امم» بنیانگذاری کرد. دفتر این مرکز در محله حریرک واقع در ضاحیه جنوبی بیروت بود. این منطقه محل استقرار و تمرکز حزب الله است. مرکز «امم» در راستای تحقیق و پژوهش در مورد جنگ داخلی لبنان و ایجاد آرشو تاریخ اجتماعی و سیاسی در لبنان فعالیت می کند. المجله با شماری از روزنامه نگاران و فعالان و دوستان سلیم گفتگو کرده است. این فاجعه به قدری سهمگین بود که تمامی این افراد حیرت زده بودند. مونا فیاض چهره سیاسی و دانشگاهی و یکی از دوستان لقمان سلیم گفت «این ترور چندین پیام داشت؛ اول خاموش کردن صدای چهره های معتبر مخالف (حزب الله) و دوم سرکوب آزادی بیان و زدن تیر خلاص به آزادی بیانی که ما بر برخورداری از آن پافشاری می کنیم». فیاض افزود آنها با ترور سلیم در جنوب لبنان می خواهند این پیام را بدهند که مرحله دیگری از قتل های زنجیره ای آغاز شده است چون ایران در محاصره سیاسی در منطقه قرار دارد و برای بیرون آمدن از محاصره سیاسی در منطقه احتیاج مبرمی به ایجاد تنش و جنگ افروزی در منطقه دارد.

...
خواننده گرامی میتواند به لیست بالا نمونه های دیگری از جمله وضعیت سیاسی- اجتماعی عراق و حملات داعش و سلفی ها به کردستان را اضافه کند. ولی برای طولانی نشدن بیشتر این مطلب از آنها صرفنظر میکنیم.

نتیجه:

زنان، جوانان و بخصوص طبقه کارگر ایران در مبارزات سرنگونی طلبانه انقلابی شان بویژه در چهارسال گذشته به دنیا نشان دادند که نظام منحوس اسلامی با عزم طبقه کارگر و زحمتکشان و جوانان و زنان

ایران محکوم به رفتن است! بنابراین روشن است که جمهوری اسلامی برای "آمدگی" در جنگ با جنبش سرنگونی طلبی پس از کرونا در ایران، بیش از هرچیز احتیاج به حمایت غرب در سرکوب جنبش کارگری و جامعه دارد. جمهوری اسلامی، از نظر خود، وقت چندان ندارد که با امضاء توافقنامه برجام دو، خود را از شر محاصره اقتصادی رها و با افزایش فروش نفت و خرید تجهیزات نظامی و به صف کردن هرچه بیشتر مزدوران آدمکش، جامعه ایران را دوباره به غل و زنجیر بکشد. شاید حداقل سرنگونی اش را به تعویق بیندازد. جمهوری اسلامی امروز امیدوار است که با دست به گریبان کردن جامعه به پاندمی مرگبار کرونا و سلب مسئولیت خود در حفظ جان شهروندان از یک طرف و با گسترش تشنج و ناآرامی، با تقویت و تحریک حملات تروریستی و بمب گذاری و ترور فعالین مخالف خود در منطقه از طرف دیگر، امتیاز بیشتری بدست آورد. این آن "راه چاره ای" است که بخصوص علی خامنه ای برای حفظ و نجات جمهوری اسلامی می بیند. از غزه تا کابل و از لبنان تا بغداد. تقویت جنبش ارتجاعی اسلامی، ترور، قتل تا بمب گذاری جلوی مدرسه دختران. ایجاد تشنج ما بین اسرائیل و هم پیمانان جدیدش در منطقه! از قتل های زنجیره ای در لبنان تا گروگانگیری زنان در یمن. از پرتاب بیش از دویست راکت به اسرائیل تا دفاع از حملات داعش و سلفی ها به کردستان انقلابی. امروز بیش از هر زمانی اثبات میشود که یک شاهراه اصلی حملات تروریستی در منطقه، به جمهوری اسلامی و به علی خامنه ای ختم می شود. جمهوری اسلامی با تشدید عملیات تروریستی و کشتار مردم در منطقه بیش از هر کس می خواهد به جهان غرب نشان دهد که جمهوری اسلامی حتی بدون دستیابی بقدرت اتمی، همچنان خطرناک خواهد بود و باید با آن مدارا و صلح کرد!

اما جواب جامعه ایران و بخصوص طبقه کارگر به جمهوری اسلامی از جنس دیگری است. جامعه ایران چهل دو سال است که میدانند این نظام با شکنجه، اعدام و ترور بنا نهاده شد و تا به امروز حفظ شده است. خیل سلبریتی ها و اپوزیسیون راست و ملی گرای بخت شده پشت نظام تأثیری بر عزم طبقه کارگر ایران در صف اول برای سرنگونی انقلابی این نظام تروریست پرور و فاسد ندارد. مضحکه های انتخاباتی برای ایجاد امید واهی به ترمیم نظام خشن اسلامی توسط این جناح و آن جناح و یا این مهره و یا آن مهره سوخته نظام تماما رنگ باخته اند. راه حل های طرفداران ریاضت دهی بیشتر به طبقه کارگر ایران، جواب رد خود را مدتهاست از جامعه دریافت کرده اند. جمهوری اسلامی حتی اگر موفق به ایجاد رابطه ای شکننده با دنیای غرب بشود، موفق نخواهد شد خللی در عزم جامعه برای سرنگونی بوجود آورد. راه حل سیاسی برای عبور از بحرانهای عمیق اقتصادی جامعه، برای تغییر بنیادین وضعیت اسفبار طبقه کارگر و بیش از پنجاه میلیون شهروند در شش برابر زیر خط فقر در جامعه، انقلاب کارگری با هدف سرنگونی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است!.

۱۳ مه ۲۰۲۱

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

تنها دخالت بشریت مترقی می تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!

مترقی از حق عادلانه مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۴۷ می تواند بر این تراژدی تاریخی نکته پایانی بگذارد. تظاهرات مشترک نیروهای مترقی و پیشرو اسرائیل همراه با اعراب ساکن اسرائیل علیه این بربریت همزمان با این جنگ و جدال خونین در شهرهای اورشلیم و تل آویو بیان آشکار این امر است که بدیل انسانی و پیشرو برای پایان دادن به این بحران تاریخی موجود است. این بدیل تنها می تواند مبتنی بر آزادیخواهی و برابری طلبی و ایجاد کشور مستقل فلسطین باشد.

از حق حیات مردم فلسطین دفاع کنیم!
در مقابل این جنگ خونین ساکت نباشیم!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با ۱۴ مه ۲۰۲۱

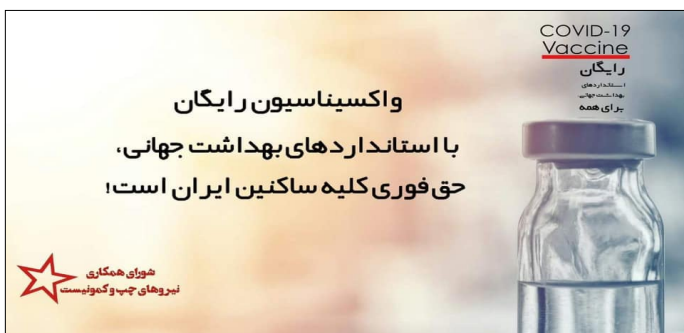
امضاء ها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

بیش از یک هفته است که مردم فلسطین بار دیگر قربانی جنگی ویرانگر شده اند که در یک سوی آن یک رژیم نژادپرست و اشغالگر قرار گرفته و در سوی دیگر، یک جریان ارتجاعی اسلامی و تروریستی که به نام مردم فلسطین در آتش این جنگ می دمد، در یک طرف یکی از قوی ترین زرادخانه های نظامی و در طرف دیگر موشک پرانی نیروئی که صحنه را برای اعلام حضور خود مناسب می بیند. اگر در روزهای اول این ساکنین عرب زبان اسرائیل بودند که قربانی سرکوبگری پلیس و نیروهای امنیتی اسرائیل و تهاجمات شهرک نشینان راست افراطی قرار می گرفتند، اکنون ساکنین نوار غزه هستند که زیر حملات هوایی رژیم اشغالگر باید خانه هایشان بر سرشان خراب شود.

نتانیاو نخست وزیر نژادپرست اسرائیل با تمجید از نیروهای پلیس، این جنایات و آتش باران و بخون کشیدن غزه را روند پایتخت سازی بیت المقدس از جانب مردم اسرائیل معرفی می کند. همان سیاستی که ترامپ در جریان "معامله قرن" اش رسمیت بخشید. قرار است تبدیل کردن بیت المقدس به پایتخت اسرائیل از مسیر پاکسازی قومی و به خون کشیدن مردم تحت ستم و حق طلب فلسطین بگذرد. این سیاست و سخنان گستاخانه چیزی جز تقدیس یک طرح اشغالگرانه نیست. دولت اسرائیل به شهرک سازی تاکتونی در بیت المقدس شرقی به منظور تغییر ترکیب جمعیت آن بسنده نکرده و چشم انداز جابجایی را در برابر فلسطینیان که چهل درصد جمعیت آن را تشکیل می دهند قرار داده است. شهرک نشینان راست افراطی تا دندان مسلح که سیاستمداران راست آنها را سازمان داده و تجهیز کرده اند، اصرار دارند که دادگاه عالی اسرائیل اخراج خانواده های فلسطینی را از بیت المقدس شرقی رسمیت ببخشد.

هفتاد و سه سال بعد از روز "فاجعه" که در آن هفتصد هزار فلسطینی در جریان حملات تجاوزکارانه دولت جدید التأسیس اسرائیل از روستاها و خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و صدها شهر و روستا خالی از جمعیت و یا تخریب گردیدند، که ره آورد آن تجاوز، آواره نشینی بیش از چهار میلیون فلسطینی در اردن، سوریه، لبنان، در اردوگاه ها و یا در زندان بزرگ غزه است. اکنون نیز باید فلسطینیان ساکن اورشلیم پاکسازی شوند و ساکنین غزه به خون کشیده شوند تا آخرین گام ها برای پاکسازی قومی برداشته شود. این تاریخ خونبار هفتاد و سه ساله، هم شرح جنایت هائی است که در حق فلسطینی ها روا رفته است و هم تاریخ مقاومت های پرشور همین مردم و هم تاریخ تراژدی مردمی که بعد از هفتاد و سه سال جریانات بیرحم، عقب مانده و ارتجاعی چون حماس، حزب الله و یا جمهوری اسلامی در نقش مدافعین آنان ظاهر می شوند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است، اگر دولت نژاد پرست و جریانات راست افراطی اسرائیل و نیز دولت های امپریالیستی همراه با جنبش ارتجاعی اسلامی از این جنگ و جدال بهره می جویند، اما مردم کارگر و زحمتکش فلسطین و اسرائیل هیچ نفعی در آن ندارند. تنها اقدام مشترک همین مردم و پشتیبانی بی دریغ بشریت



COVID-19 Vaccine
رایگان
استانداردهای
جهانی
برای همه

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

فاجعه کشتار کودکان در کابل



از دارسیران تا کابل، اینروزها سلفی داعشی ها با توحش خودی نشان دادند. تعدادی تروریست بزدل و اجبر شده، با بمب و سلاح گرم و سرد، سراغ جوانان و دانشجویان و کودکان معصوم در خیابان و خانه و مدرسه و دانشگاه میروند، خون میریزند و مثل موش پنهان می شوند. این تنها خودنمایی نیروهای ارتجاعی نیست، این جریانات ضد نفس جامعه و زندگی اجتماعی، ضد علم و آموزش کودک، دشمن خونی زنان، ضد هر جلوه ای از مدنیت و حقوق فردی و اجتماعی هستند. اینها ارواح مردگان تاریخ اند که توسط دولتها برای منافع و رقابت سیاسی احضار و سرهم شدند و در چهارگوشه جهان در مدرسه و اتوبوس و قطار و مرکز خرید و دیسکو و دانشگاه جنایت می کنند.

روز ۸ مه سه انفجار در مقابل یک مدرسه دخترانه و مسیرهای عبور دانش آموزان در شهرک اتفاق کابل، در لحظات اول دهها نفر کشته و زخمی شدند. آخرین آمار دولتی از ۶۰ کشته و آمارهای غیر رسمی از ۷۷ کشته و ۱۰۰ زخمی سخن میگوید. دختر بچه ها و کودکان معصوم با قساوتی باورنکردنی توسط جنایتکاران اسلامی قتل عام شدند. هنوز پیکر این کودکان عزیز به خاک سپرده نشده که در جنوب افغانستان بر اثر برخورد اتوبوس مسافربری با مین کارگذاری شده توسط همین اوباش، ۱۱ نفر کشته و دستکم ۲۱ نفر زخمی شدند. چند روز قبلتر در کابل، مجری سابق تلویزیون افغانستان، "نعمت روان" ترور شد و جان سپرد. همینطور در اول مه انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در یک منطقه مسکونی در ولایت لوگر ۲۴ کشته و ۱۱۰ زخمی بجای گذاشت. قربانیان اساسا غیر نظامیان و عمدتا دانش آموزانی بودند که برای ورود به کنکور دانشگاه آماده می شدند.

صلح و آزادی از خالقان این تروریست ها و دولتهای دست ساز و توافقی فدرالی و قومی و مذهبی انتظاری بیهوده است. در ایران و عراق و لبنان و کشورهای منطقه مردم خواهان سرنگونی این دولتها و "اسقاط نظام" هستند. دولتهای اسلامی را باید سرنگون کرد و جریانات باند سیاهی و تروریست و قاچاقچیان مواد مخدر را باید بزور از محل زندگی خود بیرون راند. برای اینکار نیازمند یک صف بندی رادیکال و توده ای در مقابل این نیروهای عهد عتیقی هستیم. ننگ بر تروریست های جنایتکار و قصی القلب! یاد کودکان و جوانان جانباخته گرامی باد!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۰ مه ۲۰۲۱

**کارگران در اعتراضات به مجمع
عمومی متکی شوید!
جنبش مجمع عمومی کارگری را
گسترش دهید!**

مسئول این جنایتها سلفی داعشی ها و طالبان است که بنا به نیاز روز و برای بند و بست سیاسی، گاهی این و گاهی آن نام، مسئولیت ترور را بعهده میگیرند. این نیروها مخلوق آمریکا و دول ارتجاعی منطقه هستند و تاکنون با کمک مالی و نظامی و سیاسی و دیپلماتیک همین دولتها سرپا مانده اند. آمریکا با طالبان به توافق رسید که در دولت اسلامی افغانستان شریک قدرت شود. این بند و بست و سازش نیروهای ارتجاعی و ضد جامعه را "مذاکرات صلح" نام گذاشته اند که تنها در یک هفته صدها نفر را نابود کرده است. جمهوری اسلامی و حزب الله، طالبان، سلفی داعشی ها، تنها فرقه های این تروریسم اسلامی اند که بویژه در کشورهای خاورمیانه زندگی را به مردم سیاه کردند و تنها باید با قدرت توده ای و انقلابی از میدان جارو شوند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست قتل عام کودکان معصوم و جوانان و دانشجویان و مردم غیر نظامی و سیویل را قویا محکوم میکند. ما با بازماندگان قربانیان این جنایت وحشتناک همدردی میکنیم و به آنها صمیمانه تسلیت می گوئیم. ما در ایران و عراق و افغانستان و سوریه و لبنان و دیگر کشورهای خاورمیانه، باید جنبش اسلامی را بطرق انقلابی و با اتکا به قدرت توده ای و سازمانهای دفاع از خود شکست دهیم و به همان گورستانی برگردانیم که از آن بیرون آمده اند. انتظار امنیت و



علیه حملات وحشیانه دولت آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینیان بایستیم!



سرکوب و اشغال و شهرک سازی و حاشیه ای کردن مسئله فلسطین از آن برد.

از نظر ما و مردم آزادیخواه جهان باید مسئله فلسطین فوراً حل شود. هنوز تنها راه حل ممکن برسمیت شناختن دولت متساوی الحقوق فلسطینی با بازگشت اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ است. دولتها در مقابل تهاجم و جنایت دولت اسرائیل سکوت کردند اما مردم در کشورهای مختلف خاورمیانه و اروپا دست به اعتراض زدند. این تهاجم و آدمکشی عریان باید فوراً متوقف شود و خانوارهای فلسطینی به محل زندگی شان برگردند.

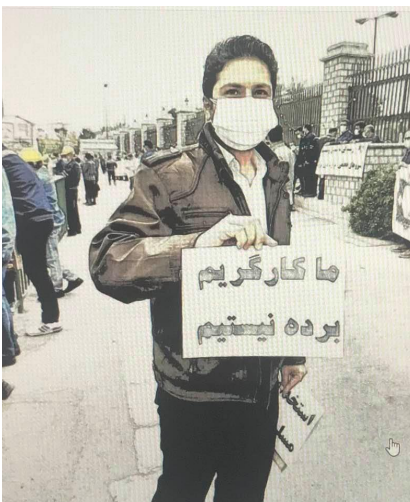
حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، حملات وحشیانه دولت اسرائیل علیه مردم بی دفاع غزه و محاصره اقتصادی آنها را بشدت محکوم میکند. ما از مردم آزادیخواه جهان و سازمانهای کارگری و چپ و انساندوست می خواهیم علیه کشتار وحشیانه مردم بی دفاع فلسطین توسط دولت نژادپرست اسرائیل بایستند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۲ مه ۲۰۲۱

جرقه دور جدید اعمال خشونت دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین، ظاهراً در یک محله کوچک اورشلیم شرقی بنام "شیخ جراره" زده شده است. تلاش دولت اسرائیل با کمک دادگاه عالی و ارتش و اوباش راست افراطی برای اخراج ۷۰ خانوار فلسطینی این محله، ویران کردن خانه ها و تصاحب زمینهای آن برای شهرک سازی، نزاع قدیمی برسر مسئله فلسطین را دوباره بجلو صحنه رانده است. تبدیل روز اشغال بخش شرقی "بیت المقدس" به "روز اورشلیم" توسط نتانیاوو و راست افراطی و تلاش برای ویرانی خانه و کاشانه فلسطینیان در محله "شیخ جراره"، سوخت کافی برای دور جدیدی از خشونت و ترور در سرزمینهای اشغالی را فراهم کرده است. مسئله فلسطین بعنوان قدیمی ترین مسئله ملی لاینحل مانده و باید حل شود. در این کشمکش و قراردادهای موسوم به صلح، دو مسئله اصلی بازگشت آوارگان و تعیین تکلیف اورشلیم، هر دو در محله "شیخ جراره" مجدداً به هم گره خوردند. با کشتاری که ارتش اسرائیل راه انداخته است، این ظرفیت وجود دارد که اعتراض مردم فلسطین به یک خیزش جدید توده ای فلسطینیان علیه اشغالگری دولت آپارتاید اسرائیل تبدیل شود.

ما بسیار قبلتر گفته ایم که خمیره دولت اسرائیل مبتنی بر قومگیری و مذهب و نژادپرستی است. اخیراً گزارش ۲۱۳ صفحه ای "دیدبان حقوق بشر"، دولت اسرائیل را با جزئیات به آپارتاید نژادی و جنایت علیه بشریت در حق فلسطینیان محکوم کرده است. خیزشهای توده ای و انقلابی در خاورمیانه و متعاقب آن جنگ داخلی در سوریه و لیبی و عروج داعش در عراق، وقعه ای ده ساله در مسئله فلسطین بوجود آورد. در هیاهوی عروج داعش، دولت و پارلمان اسرائیل در سال ۲۰۱۸ جمهوری اسرائیل را به "جمهوری مردم یهود" تغییر داد و آخرین قدم را به سمت یک دولت آپارتاید نژادی برداشت. طرح الحاق و کولونیالیستی ترامپ - نتانیاوو موسوم به "معامله قرن"، تلاش داشت این روند را با تحقیر بیشتر مردم فلسطین و از بین بردن آخرین پیوستگی های جغرافیایی مناطق فلسطینی، تکمیل کند. طرحی که شکست خورد اما دولت اسرائیل بیشترین استفاده را برای تداوم سیاست



حکومت آن بکوشند. ہمراہی و ہمبستگی خود را با کارگران ہفت تپہ محکم کنند. ما نیروہای چپ و کمونیسٹ بر تعہدماں پای میفشاریم، همانطور کہ در تمامی سالہای گذشتہ، در کنار مبارزات و رنج و مشکلات کارگران ہفت تپہ بودہ ایم، در ادامہ نیز بیدریغ ہمگام مبارزات کارگران شرکت نیشکر ہفت تپہ، این بخش پیشرو جنبش کارگری خواهیم بود.

زندہ باد مبارزات کارگران ہفت تپہ
زندہ باد اتحاد و ہمبستگی کارگری
سرنگون باد رژیم سرمایہ داری جمہوری اسلامی
زندہ باد آزادی، زندہ باد سوسیالیسم

۲۲ اردیہبہشت ۱۴۰۰-۱۲ مه ۲۰۲۱

امضاہا: اتحاد فدائیان کمونیسٹ، حزب کمونیسٹ ایران، حزب کمونیسٹ کارگری- حکمتیست، سازمان راہ کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و ہستہ اقلیت

ShorayeHamkary@gmail.com

پیام تبریک جمعی از فعالین کارگری شهرستان کامیاران بہ

کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر ہفت تپہ!

کارگران ہفت تپہ! با مبارزہ متحدانہ پنج سال گذشتہ خود زمینہ خلع ید از مالکیت نیشکر ہفت تپہ را از بخش خصوصی "اسد بیگی، رستمی" فراہم و تحمیل کردید و این یک پیروزی، یک دستاورد مہم است کہ تبریک و شاد باش ما را پذیرا باشید.

نزدیک بہ ۵ سال است کہ کارگران ہفت تپہ با انواع و اشکال مختلف در مقابل تحمیل بی حقوقی، عدم پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران و اذیت و آزار فعالین و نمایندگان کارگران و عدم تمدید دفترچہ ہای بیمہ مواجه بودند کہ کارگران با صدای بلند فریاد کشیدند مسبب اصلی دزدی، فساد و اختلاس ناشی از واگذاری شرکت بہ بخش خصوصی "اسدبیگی و رستمی" است! بر خواست خلع ید پافشاری کردند و اعتراض خود را بہ گوش دستگاہ ہای گوناگون حاکمیت و جہانیان رساندند و گفتند ما کارگران خواہان لغو خصوصی سازی و ادارہ شورایی ہستیم!

این شرکت از سال ۹۴ بہ بخش خصوصی واگذار شد و از همان ابتدا ماہیت ضد انسانی خود را بہ کارگران نشان داد. کارگران ہفت تپہ بارہا برای دستمزدهای معوقہ، تمدید دفترچہ ہای بیمہ، برای بازگشت بہ کار همکاران اخراجی خود و بی کفایتی، دزدی مالکان شرکت اعتراض و اعتصابہای شکومند و طولانی مدت سازمان دادند.

کارگران ہفت تپہ طی مدت این ۵ سال دست در دست ہم با اتحاد در برابر اسد بیگی، رستمی و دولت، دستگاہ ہای امنیتی و... با جسارت مثال زدنی تا آخرین نفس ایستادند و بہای سنگینی ہم

پیام ہائی پشتیبانی

از کارگران ہفت تپہ

پیام شورای ہمکاری نیروہای چپ و کمونیسٹ بہ کارگران ہفت تپہ!

این پیروزی بزرگ را تبریک می گوئیم!

کارگران ہفت تپہ! رفقا!

پنج سال اعتراض و مبارزہ آگاہانہ و سازمانیافتہ شما بہ ثمر نشست. در این پنج سال جنبش کارگری و ہمہ نیروہای مدافع و حامی مبارزات کارگران ہفت تپہ شاهد صحنہ ہای پرشور اعتراضات شما اعم از اعتصابات کوتاہ و بلند مدت، گردهمایی ہا در صحن کارخانہ و در سنگر، راہپیمایی ہا در شوش و جلو فرمانداری، پیوستن پرشور خانوادہ ہای کارگری و مردم بہ اعتراض و مبارزہ برحق شما بودند. توطئہ ہا و فریب کاریہا، علیہ مبارزات شما و اخراج و تہدید و احضار و زندان و شکنجہ و پروندہ سازیہا علیہ نمایندگان صاحب ارادہ و مدافعین جسورتان از چشم کسی پنهان نماند و خنثی شدند. ما واقفیم کہ ارادہ و ایستادگی متحدانہ و جمعی و فردی شما کارگران مبارز، توطئہ ہا و ترفندہای متعدد کارفرما و حامیان دولتی و غیر دولتی استثمارگران را خنثی کرد و راہ پیشروی و پیروزی کنونی شما را ہموار کرد. بر خلاف پروپاگاندا گمراہ کنندہ و بی پایہ، خلع ید اسدبیگی ہای فاسد و ضد کارگر مستقیما حاصل اتحاد، مبارزہ، استقامت و اصرار شما بر خواستہ ہای برحق تان بود و نہ ہیچ چیز دیگر. ما در این دورہ پرتیش مبارزاتی در کنار شما بودیم. پیروزی شما، پیروزی کل جنبش کارگری ایران و پیروزی ما نیروہای چپ و کمونیسٹ و ہمہ جریانات و انسانہایی است کہ در ایران و در سطح جہان خود را در مبارزہ شما شریک میدانند. این پیروزی بزرگ و شیرین را صمیمانہ و رفیقانہ تبریک میگوئیم.

نمایندگان متعہد و صاحب صلاحیت شما در جشن پیروزی یکشنبہ نوزدم اردیہبہشت بہ درست اعلام کردند، تازہ این آغاز راہ برای پیگیری خواستہ ہای متعددی است کہ ہنوز تحقق نیافتہ اند. تاکید کردند، با جاری کردن نظارت کارگری بر امور و ادارہ شرکت ہفت تپہ و اتکا بہ تشکل مستقل کارگری، شورایی و مجمع عمومی نمایندگان خود، در موقعیت مساعد جدید، با اتحاد محکمتر و اعتماد بنفس بالاتر، پیگیر خواستہ ہای متحقق نشدہ خواہید بود. پیشبرد چنین خط مشی و اقدامات روشن بینانہ تضمین کنندہ پیشرویہای بعدی شما است. در عین حال اطمینان داریم، با ہوشیاری متوجہ طرحہا و توطئہ ہای متعدد سرمایہ داران و دولت حامی شان در ادامہ مبارزہ و اکنون ہستید. امیدواریم مثل دورہ پنج سالہ گذشتہ و با اتکا بہ تجارب کسب شدہ، طرحہا و ترفندہا، مانورہا و تہدیدات و کار شکنی ہای متعدد آنها را خنثی کنید.

شورای ہمکاری نیروہای چپ و کمونیسٹ از بخشہای مختلف جنبش کارگری و جنبشہای اعتراضی رادیکال میخواہد، با تکیہ بہ درسہا و تجارب با ارزش مبارزات کارگران ہفت تپہ برای گسترش سراسری مبارزات کارگری و تودہ ای علیہ وضع موجود، علیہ سرمایہ داری و

بار دیگر پیشروی و پیروزی درخشان کارگران هفت تپه را تبریک می‌گوییم و از مبارزات شما حمایت می‌کنیم.

زنده باد اتحاد کارگران

جمعی از فعالین کارگری و آزادیخواه شهر سندج
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

پیام تبریک و شادباش به کارگران هفت تپه!

شما کارگران هفت تپه با مبارزه متحدانه پنج سال گذشته خود خلع ید مالکیت نیشکر هفت تپه را از بخش خصوصی "اسد بیگی، رستمی" فراهم و تحویل کردید. این یک پیروزی، یک دستاورد مهم است که تبریک و شاد باش من را پذیرا باشید.

کارگران هفت تپه تاریخ طولانی در مبارزه برای بدست آوردن خواستها و مطالبات گسترده مانند دستمزدهای معوقه، تمدید دفترچه های بیمه، بازگشت به کار همکاران اخراجی خود، علیه بی کفایتی و دزدی مالکان شرکت اعتراض و اعتصابهای شکوهمند و طولانی مدت سازمان دادند.

کارگران هفت تپه طی مدت این پنج سال با اتحاد و همبستگی خود در برابر اسد بیگی، رستمی و دولت، دستگاه های امنیتی و فشار مدافعان سرمایه‌داری با جسارت و اراده محکم تا آخرین لحظه ایستادند. هزینه های سنگینی هم پرداخت کردند. آنها تهدید شدند، دستگیری دادند، با شکنجه و صدور احکام ظالمانه ای زندان مواجه شدند و همچنین با توطئه سناریو ساختگی، شرم آور و دهها نوع فشار دیگر مواجه بودند که خوشبختانه ثابت کردند اگر کارگران متحد و همبستگی داشته باشند میتوانند در تمام عرصه های دشوار هم پیروزی شوند. اکنون با خلع ید از اسد بیگی و رستمی موفقیت بزرگی نصیب کارگران متحد هفت تپه شده است. در شرایط فعلی که مالکیت هفت تپه از بخش خصوصی به دولتی بازگشته است، کارگران برای نظارت نمایندگان خود بر اداره هفت تپه پافشاری میکنند.

خلع ید از بخش خصوصی پیروزی بزرگی برای کارگران هفت تپه و جنبش کارگری ایران است. از اینرو خود را در جشن و شادی کارگران هفت تپه و خانواده های آنها و دیگر فعالین جنبش کارگری شرکت میدانم.

زنده باد کارگران هفت تپه!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگر

نصرت بهشتی

بازنشسته فرهنگی، مدافع حقوق کارگران، زنان و کودکان کار
مشهد ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

پیام هائی پشتیبانی از کارگران هفت تپه...

پرداخت کردند. آنها تهدید شدند، دستگیری دادند، با شکنجه و صدور احکام سنگین زندان مواجه شدند و همچنین با توطئه سناریو ساختگی و سوخته و دهها نوع فشار دیگر مواجه بودند که خوشبختانه نشان دادند اگر کارگران متحد و همبسته باشند میتوانند در تمام چالشها پیروزی شوند، با خلع ید از اسد بیگی و رستمی این اتفاق افتاد. این صدای حق طلبی کارگران هفت تپه بود که به قوه قضائیه تحمیل کردند. پرونده دزدی و فساد اسد بیگی و رستمی را بررسی کند. آنها با نفوذی که در جناحهای حاکمیت داشتند توانستند مانع تراشی کنند و پروسه خلع ید را کند و طولانی کنند اما نتوانستند خللی در اراده متحدانه کارگران هفت تپه ایجاد کنند.

خواست اصلی کارگران هفت تپه اداره شورایی است، قطعا در هر زمانی که توازن قوای مناسب بدست بیاید اداره شورایی را عملی خواهند کرد. در شرایط کنونی که مالکیت هفت تپه از بخش خصوصی به دولتی بازگشته است، خواست کارگران نظارت نمایندگان کارگران بر اداره هفت تپه است و مبارزه کارگران برای تحقق این خواست ادامه خواهد یافت.

خلع ید از اسد بیگی و رستمی دستاورد بزرگی نه تنها برای کارگران هفت تپه بلکه یک تجربه مبارزه موفق و شادی بخش برای جنبش کارگری ایران است. از این رو ما جمعی از فعالین کارگری شهرستان کامیاران خود را در شادی این موفقیت شریک میدانیم و این پیروزی بزرگ را به تمام کارگران هفت تپه و خانواده های آنان و همچنین جامعه کارگری ایران تبریک می‌گوییم.

زنده باد اتحاد! زنده باد همبستگی جامعه کارگری!

جمعی از فعالین کارگری شهرستان کامیاران
۱۴۰۰/۲/۲۱

پیام تبریک و حمایت جمعی از فعالین کارگری و آزادیخواه

شهر سندج!

به کارگران نیشکر هفت تپه!

موفقیت بزرگ شما کارگران هفت تپه که با اتحاد و همبستگی برای خواسته هایتان مبارزه کرده و اخیرا منجر به خلع ید از بخش خصوصی و اسد بیگی و رستمی شد، موفقیت مهمی است. این گامی جدی به جلو برای رسیدن به اهدافی بزرگتر است. ما جمعی از فعالین کارگری و آزادیخواه سندج، این پیروزی را به شما هم طبقه ای های عزیز تبریک می‌گوییم. امیدواریم با اتحاد خود به تمامی خواسته هایتان برسید. پیروزی شما پیروزی همه طبقه کارگر ایران و ما کارگران در سندج هم هست. ما همواره از مبارزات کارگران هفت تپه حمایت کرده و به آن ادامه می‌دهیم. درسها و تجارب غنی مبارزات هفت تپه الگوی خوبی برای ما و دیگر بخشهای جنبش کارگری ایران است.

کارگری ایران است.

از این رو ما جمعی از کارگران شرکت آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) خود را در شادی این موفقیت شریک میدانیم و این پیروزی بزرگ را به تمام کارگران هفت تپه و خانواده های آنان و همچنین جامعه کارگری ایران تبریک میگوئیم.

زنده باد اتحاد! زنده باد همبستگی جامعه کارگری!

جمعی از کارگران شرکت آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو)

این هنوز از نتایج سحر است

باشی تا دولت صبحت بدمد

در روزگاری که اخبار تیر و تار بر روح و روانمان سنگینی میکرد از کرونای مرگ افرین، از کشتن دگرباشان، از هجوم گله و وحوش سلفی تحت الحمایه به دارسیران همگی اخبار غمباری را پیام آور بود تا از اقلیم هفت هزار تپه از تپه ی هفتم خبر مسرت بخش و خوش آیند را دریافتیم. شعله امید در عمق جانمان گر گرفت و فروزان شد بر شما اهالی پایتخت اعتصاب و همه همراهان و هواخواهان اکنون بی شما، سپیده را میگویم و فرزانه و عسل و ساناز و صدها هزاران فرد و جمع و کوشنده ی راه رهایی طبقه کارگر این ظفر مظفر مبارک باد. و لیک آن یار دیرین چه زیبا گفت ما هنوز به نقطه اول رسیده ایم.

پس از توطئه شغالان و درندگان سرمایه غافل نباشیم. میدا دچار رخوت شویم که دشمن مکارتر و غدارتر از قبل در حال طراحی نقشه های چند لایه برای حفظ و تداوم سود خویش و استثمار کارگران است. ما این پیروزی را متعلق به کل طبقه کارگر و آن را آغازگر پیروزی های دیگر در سایر نقاط میدانیم .

کارگران اتحاد اتحاد اتحاد
جمعی از فعالین کارگری آذربایجان غربی

پیام حمایت و تبریک به کارگران هفت تپه

امروز هفت تپه به مدرسه ای برای تمامی کارگران عدالتخواه و آزادیخواه ایران تبدیل گردیده است ، مدرسه ای که درس همبستگی و پایداری در برابر پاسداران و مزدوران سرمایه ، به فرودستان می دهد تا حقی که از توده ی مردم ایران سلب گردیده است را باز ستانند.

هفت تپه نشان داد که اعتراضات و اعتصابات سازمان یافته و مستمر کارگران ، می تواند ائتلاف شوم و قدرتمند صاحبان ثروت رانتهی با حاکمیت و طرفداران سرمایه داری در دانشگاه ها را در هم بشکند و مانع از سلب اموال عمومی از جامعه شود؛

پیام هائی پشتیبانی از کارگران هفت تپه...

پیام تبریک جمعی از فعالین کارگران شرکت ایرالکو به

کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه!

کارگران هفت تپه! با مبارزه متحدانه پنج سال گذشته خود زمینه خلع ید از مالکیت نیشکر هفت تپه را از بخش خصوصی "اسد بیگی، رستمی" فراهم و تحمیل کردید و این یک پیروزی، یک دستاورد مهم است که تبریک و شاد باش ما را پذیرا باشید.

نزدیک به ۵ سال است که کارگران هفت تپه با انواع و اشکال مختلف در مقابل تحمیل بی حقوقی، عدم پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران و اذیت و آزار فعالین و نمایندگان کارگران و عدم تمدید دفترچه های بیمه مواجه بودند که کارگران با صدای بلند فریاد کشیدند مسبب اصلی دزدی، فساد و اختلاس ناشی از واگذاری شرکت به بخش خصوصی "اسدبیگی و رستمی" است! بر خواست خلع ید پافشاری کردند و اعتراض خود را به گوش دستگاه های گوناگون حاکمیت و جهانبان رساندند و گفتند ما کارگران خواهان لغو خصوصی سازی و اداره شورایی هستیم!

این شرکت از سال ۹۴ به بخش خصوصی واگذار شد و از همان ابتدا ماهیت ضد انسانی خود را به کارگران نشان داد. کارگران هفت تپه بارها برای دستمزدهای معوقه، تمدید دفترچه های بیمه، برای بازگشت به کار همکاران اخراجی خود و بی کفایتی، دزدی مالکان شرکت اعتراض و اعتصابهای شکومند و طولانی مدت سازمان دادند.

کارگران هفت تپه طی مدت این ۵ سال دست در دست هم با اتحاد در برابر اسد بیگی، رستمی و دولت ، دستگاه های امنیتی و... با جسارت مثال زدنی تا آخرین نفس ایستادند و بهای سنگینی هم پرداخت کردند. آنها تهدید شدند، دستگیری دادند، با شکنجه و صدور احکام سنگین زندان مواجه شدند و همچنین با توطئه سناریو ساختگی و سوخته و دهها نوع فشار دیگر مواجه بودند که خوشبختانه نشان دادند اگر کارگران متحد و همبسته باشند میتوانند در تمام چالشها پیروزی شوند، با خلع ید از اسد بیگی و رستمی این اتفاق افتاد. این صدای حق طلبی کارگران هفت تپه بود که به قوه قضائیه تحمیل کردند. پرونده دزدی و فساد اسد بیگی و رستمی را بررسی کند. آنها با نفوذی که در جناحهای حاکمیت داشتند توانستند مانع تراسی کنند و پروسه خلع ید را کند و طولانی کنند. اما نتوانستند خللی در اراده متحدانه کارگران هفت تپه ایجاد کنند. خواست اصلی کارگران هفت تپه اداره شورایی است، قطعا در هر زمانی که توازن قوای مناسب بدست بیاید اداره شورایی را عملی خواهند کرد. در شرایط کنونی که مالکیت هفت تپه از بخش خصوصی به دولتی بازگشته است، خواست کارگران نظارت نمایندگان کارگران بر اداره هفت تپه است و مبارزه کارگران برای تحقق این خواست ادامه خواهد یافت.

خلع ید از اسد بیگی و رستمی دستاورد بزرگی نه تنها برای کارگران هفت تپه بلکه یک تجربه مبارزه موفق و شادی بخش برای جنبش

که مالکیت هفت تپه از بخش خصوصی به دولتی بازگشته است، خواست کارگران نظارت نمایندگان کارگران بر اداره هفت تپه است. مبارزه کارگران برای تحقق این خواست ادامه خواهد یافت.

خلع ید از اسد بیگی و رستمی دستاورد بزرگی نه تنها برای کارگران هفت تپه بلکه یک تجربه مبارزه موفق و شادی بخش برای جنبش کارگری ایران است. از این رو ما جمعی از کارگران شرکت پالایش گاز بید بلند فاز یک خود را در شادی این موفقیت شریک میدانیم و این پیروزی بزرگ را به تمام کارگران هفت تپه و خانواده های آنان و همچنین جامعه کارگری ایران تبریک میگوئیم. زنده باد اتحاد! زنده باد همبستگی جامعه کارگری!

جمعی از کارگران شرکت پالایش گاز بید بلند فاز یک
تاریخ: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

پیام هائی پشتیبانی از کارگران هفت تپه...

اتحاد کارگران هفت تپه و پیروزی آنان علاوه بر آنکه مُشت محکمی علیه سیاست های ضد کارگری و سرمایه سالار حاکمیت بود بلکه امید بخش توده ی مردم در سراسر کشور نیز شد تا با پیوستن به اعتراضات و اعتصابات عمومی، برای دستیابی به حقوق اساسی خود یکصدا شوند.

ما پیشروی و پیروزی درخشان کارگران هفت تپه را تبریک می گوئیم و از مبارزات شما حمایت خواهیم کرد.

زنده باد اتحاد کارگران

جمعی از کارگران نفت ایزوگام شهرستان کاشان
و جمعی از رانندگان حمل و نقل تهران_ کرمانشاه

پیام تبریک جمعی از کارگران شرکت پالایش گاز بید بلند فاز یک به کارگران نیشکر هفت تپه!

شما کارگران هفت تپه با مبارزه متحدانه پنج سال گذشته خود خلع ید مالکیت نیشکر هفت تپه را از بخش خصوصی "اسد بیگی، رستمی" فراهم و تحمیل کردید. این یک پیروزی، یک دستاورد مهم است که تبریک و شاد باش ما را پذیرا باشید.

نزدیک به ۵ سال است که کارگران هفت تپه با انواع و اشکال مختلف در مقابل تحمیل بی حقوقی، عدم پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران و اذیت و آزار فعالین و نمایندگان کارگران و عدم تمدید دفترچه های بیمه مواجه بودند که کارگران با صدای بلند خواسته های برحق خود را مطرح کردند. بر خواست خلع ید بخش خصوصی پافشاری کردند. اعتراض خود را به گوش دستگاه های گوناگون حاکمیت و جهانبان رساندند. تاکید کردند، ما کارگران خواهان لغو خصوصی سازی و اداره شورایی هستیم!

کارگران هفت تپه بارها برای دستمزدهای معوقه، تمدید دفترچه های بیمه، برای بازگشت به کار همکاران اخراجی خود، علیه بی کفایتی و دزدی مالکان شرکت اعتراض و اعتصابهای شکومند و طولانی مدت سازمان دادند.

کارگران هفت تپه طی مدت این پنج سال دست در دست هم با اتحاد در برابر اسد بیگی، رستمی و دولت، دستگاه های امنیتی و... با جسارت مثال زدنی تا آخرین نفس ایستادند. بهای سنگینی هم پرداخت کردند. آنها تهدید شدند، دستگیری دادند، با شکنجه و صدور احکام سنگین زندان مواجه شدند و همچنین با توطئه سناریو ساختگی و سوخته و دهها نوع فشار دیگر مواجه بودند که خوشبختانه نشان دادند، اگر کارگران متحد و همبسته باشند میتوانند در تمام چالشها پیروزی شوند، با خلع ید از اسد بیگی و رستمی موفقیت بزرگی به دست آمد. در شرایط کنونی

دولت را موظف کنیم...

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- خرید فوری و کافی واکسن های مورد تائید سازمان بهداشت جهانی. واکسیناسیون رایگان کلیه ساکنین کشور!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!
- قوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکار سازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد ها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قیوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اردیبهشت ۱۴۰۰ - آوریل ۲۰۲۱

عکسهائی از جشن پیروزی کارگران



سخنرانی اسماعیل بخشی نماینده کارگران در جشن خلع ید از کارفرمای شرکت



پیروزی کارگران هفت تپه بعد از پنج سال

مبارزه و مقاومت ...



* این پیروزی یک قدم بسیار مهم ما را جلو برد و ما برای قدم های بعدی باید با توان و انرژی بیشتر اقدام کنیم. در حالی که در همه دنیا جنایت خصوصی سازی با سرعت اجرایی میشود و به یک آیه مقدس سرمایه داران تبدیل شده ما در هفت تپه، این تعرض بزرگ به معیشت و هستی کارگران را متوقف کردیم و برای ادامه مسیر، توان بیشتری گرفتیم!

* طی این سال ها، عوامل زیبون و ریز و درشت این بخش خصوصی فاسد و اشغالگر و اختلاسگر، در درون شرکت و شهرستان و استان و سطح کشور، هر تقلایی توانستند کردند اما در مقابل کارگران هفت تپه با فضاحت شکست خوردند! هفت تپه این محل کار و زندگی نسلهای ما در آستانه نابودی بود. اما ما کارگران هفت تپه نگذاشتیم در منجلاب فساد و اختلاس و سرکوب و بیعدالتی بیشتر غرق و به کلی منهدم شود، آستین بالا زدیم و نجاتش دادیم و قدم به قدم آنرا خواهیم ساخت!

* این پیروزی مشترک به همه کارگران شریف هفت تپه، خانواده های هفت تپه، مردم شریف شوش و منطقه و به همه یاران و حامیان هفت تپه مبارک باد! امروز کام مان شیرین شد و این پیروزی را با غرور جشن می گیریم! به امید شیرین کامی کارگران و مردم شریف و عزیز ایران در همه عرصه های زندگی! به امید عبور از این دوران سخت بیماری و بیکاری و مشکلات معیشتی و ...!

برای اعمال نظارت شورایی و مستقل بر هفت تپه قدم برداریم! زنده باد آگاهی و اتحاد و همبستگی! زنده باد هفت تپه ی تسلیم ناپذیر، پایتخت اعتصاب جهان!

جمعی از کارگران هفت تپه از بخشهای مختلف

شنبه - ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

انتشار: کانال مستقل کارگران هفت تپه

به نقل از کانال مستقل کارگران هفت تپه

فوری!

پیروزی کارگران هفت تپه بعد از پنج سال مبارزه و مقاومت

خلع ید از بخش خصوصی اشغالگر و فاسد در هفت تپه

بالاخره بعد از مقاومت های زیاد مسئولین در اعلام خبر خلع ید بخش خصوصی که پشتش تلاش های بسیاری برای تغییر دادن رای خلع ید صورت گرفته بود به طور رسمی اعلام شد که رای خلع ید و فسخ قرارداد بخش خصوصی هفت تپه توسط شعبه بیست و یک دادگاه حقوقی تهران صادر شده است. این پیروزی را تبریک میگوییم به همکاران گرامی و کارگران مبارز هفت تپه و خانواده های هفت تپه و شوش و منطقه، طبقه کارگر ایران و جهان، رسانه هایی که صدای ما بودند و حامیان و یاران و مردم شرافتمندی که سالها در کنار ما کارگران هفت تپه و اعتراضات و اعتصابات ما بودند!

* ما بارها اعلام کرده ایم و باز هم تاکید میکنیم و ما در هفت تپه، پایتخت اعتصاب جهان عملا پای این قضیه خواهیم ایستاد که: بعد از بیرون کردن بخش خصوصی که خواسته فوری ما بود، شرکت هفت تپه به هیچ بخش خصوصی دیگر، به هیچ شرکت نیمه خصوصی و یا نیمه دولتی و هیچ نهاد نظامی-نیمه نظامی و موسسه و بورس و امثالهم واگذار نمیشود. مطالبه اصلی ما این است: شرکت هفت تپه با نظارت شورایی کارگران باید در بخش عمومی-دولتی بماند و یا تماما به کارگران هفت تپه واگذار شود.

* تمام همکاران اخراجی باید به سر کار بازگردند و تمامی کارگران قرارداد موقت و فصلی، قرارداد دایمی شوند. هفت تپه ظرفیت اشتغال هفت هزار کارگر را دارد. ما زندگی و امنیت و آرامش و رفاه که شایسته همه ماست را به هفت تپه و شوش و منطقه باز می گردانیم.

* ما امروز یک پیروزی شیرین و مهم بدست آوردیم. ما با قدرت اتحاد و مبارزه و تسلیم ناپذیری مان کارفرمای فاسد و اختلاسگر را از هفت تپه بیرون انداختیم. اینرا بارها گفته بودیم و به وعده مان عمل کردیم. اتحاد و ایستادگی ما موجب شد که اسدیگی و حامیانش یک به یک در پیشگاه افکار عمومی افشا شوند.

* همکاران و نمایندگان مستقل ما را بارها زندانی و شکنجه و آزار و اخراج و تهدید کردند اما این دلاوران تسلیم نشدند! بالغ بر دویست پرونده قضایی برای همکاران ما و مخصوصا فعالین و نمایندگان مستقل ما درست کردند اما این عزیزان باز هم با ما همراهی کردند! با وجود اینکه همه طوره ما را تحت فشار گذاشتند اما اتحاد و مبارزه ما باعث شد که اسدیگی فاسد به دادگاه کشیده شود. ما اعلام میکنیم که دادگاه اختلاسگران که دو میلیارد دلار (برابر با مبلغ لازم برای ایجاد یک میلیون شغل و برابر با حدود هشتاد سال دستمزد کل کارگران هفت تپه)، اختلاس کرده اند باید سریعا از سر گرفته شود!

* رای صادره توسط قوه قضائیه، نه لطف این یا آن، بلکه حاصل اتحاد و ایستادگی و پیگیری و مبارزه پنج ساله ما کارگران هفت تپه است. انواع و اقسام مسئولان و رسانه هایشان از این فاسدان حمایت میکردند و این ابرمختلسان، سلطان رشوه هم بودند اما قدرت جمعی ما قوی تر از همه این قدرت ها بود و هست!

صفحه ۱۹

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل

میشود!

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم!